

نشان داد می آئیم این جاو با اتفاق کلمه آخرین رای خود میدهم و اگر دیدیم مفید نیست مسکوت می گذاریم و طریقه دیگری برای حل این قضیه پیدا میکنیم این يك پیشنهاد بود که در خارج مذاکره شد و طرف توجه بعضی از آقایان واقع نشد پیشنهاد دیگری بود که جامع الاطراف بود و شاید بعد از هرا یض خود بمقام ریاست تقدیم کنم و مضمون آن پیشنهاد این بود که هم دولت را آزاد بگذاریم تا بتواند با کمیانی های دیگر مذاکره کند و هم بکوش کمیانی استاندار داویل برسائیم که دولت آزاد خواهد بود که بادیگران داخل در مذاکره شود و شرایط او را با احساسات ملی و نظر صلاحی مملکت تطبیق کنیم و هم سلب اعتبار آن رای را که در اول قوس داده ایم نکنیم این پیشنهاد دارای سه جنبه بود یعنی هم حیثیات رای سابق ما را حفظ می کرد هم بدولت اجازه میداد که با سایر کمیانی ها داخل مذاکره شود و هم ما را مجال میداد که با کمیانی استاندار داویل بیشتر از این صحبت کنیم و بهانه قطع روابط و قطع مذاکرات را باو نداده باشیم پیشنهاد این بود که در مجلس رای بدهیم که دولت تا چهل روز دیگر یا بیست روز دیگر بایست آخرین تحقیقات خودش را نسبت بنظریات ستاندار داویل بعمل آورده و آخرین پیشنهاد او را تحصیل کند و بمجلس آرایه دهد و اگر چنانچه در ظرف این چهل روز ا بیست روز دولت ایران موفق نشد با کمیانی استاندار داویل صحبت های خودش را تمام کند دولت آزاد خواهد بود و سایر کمیانی ها داخل مذاکره شود که هم ضرب الاجلی فرار داده باشیم و هم بکمیانی استاندار داویل گفته باشیم اگر بعد از چهل روز پیشنهاد خود را تمام نکنیم با بادیگران هم می توانیم مذاکره کنیم و هم دیگران را امداد کنیم برای اینکه حالا که شش ماه است مانده است بیست روز دیگر هم بماند و منتظر آخرین نظریات کمیانی استاندار داویل بشوند و خود آن ها هم در این بیست روز مشغول تهیه پیشنهاد های دیگری بشوند و يك پیشنهادات بهتری برای مانده کنند این پیشنهاد از طرف يك نفر از آقایان اقلیت اظهار شد و بنده فوق العاده آن را مفید دانستم و جمعی از آقایان دیگر هم آن را مفید دانسته و با آقایان مخالفین صحبت فرمودند و مفید بودن او گفته شد ولی متاسفم بکلمه اشخاصی که بیشتر مثل دارند نظریات خودشان را پیش ببرند تا اینکه بجل قضایا بپردازند موافقت فرموده بشا بر این بنده ناچارم از نقطه نظر نگرانی ها که عرض کردم با این پیشنهاد که در جلسه گذشته شده است مخالفت خودم را عرض کنم بنده موافق باروخ این پیشنهاد هستم ولی بطریقی که آقایان بفوریت و مثل

برق می خواهند رای بدهند بلکه با طریزی که جامع الاطراف باشد و چنانکه عرض کردم تمام قضایا را در برداشته و بالاخره بی اعتباری رای و قول مجلس شورای ملی ایران را هم شامل نباشد؟

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا موافقت؟

محمد هاشم میرزا - بلی

رئیس - بفرمائید

محمد هاشم میرزا - البته بیانات مشروح را واگذار می کنم به آقایان که از بنده مطلع تر هستند ولی بنده دو سه مسئله را یادداشت کرده ام که باید بمعرض آقایان برسائیم اولاً بعد از این که پریروز این مطلب مطرح شد در موقع تنفس بنظر آقایانی که امضاء کرده بودند رسید از بدیهات اولیه بود و امضاء کردند و فهمیده و دانسته موافقت خودشان را در آن جلسه اظهار داشتند بعد بعضی از آقایان این مسئله بدیهی به نظرشان خیلی مهم آمد و تقاضا کردند این مسئله بماند و موکول باین جلسه شود ما هم که امضاء کرده بودیم آن تقاضا را قبول کردیم و از پریروز تا حالا پنجاه شش ساعت می گذرد و این مطلب تحت مذاکره است هیئت متحده هم که بنده و ملک الشعراء جز آن بودیم در این پنجاه شش ساعت خیلی فکر کردیم و بنده نمی توانم بگویم یکی از آقایان امضاء خود را پس گرفته یا این که یکی از مخالفین از مخالفت خودشان دست کشیده باشند و مطلبی که این قدر که به نظر آقایان مهم است بنده خیلی بدیهی می دانم لهذا در فرا کسیون هیئت متحده چنین صلاح دیده شده که در یک چنین مسئله حیاتی و مهماتی به آزادی اظهار عقیده داده شود و امضاء هیئت متحده هر چه می گویند فقط و فقط رای خودشان است و با دله که دارند موافقت و مخالفت خودشان را اظهار خواهند کرد و اشخاصی که از هیئت متحده ساکت نشسته اند آن ها را نباید عطف بنطاقین موافق کردند عطف بنطاقین مخالف این قسمت اولیه عرض بنده بود اما قسمتی که راجع به کمیانی صحبت میشود که معامله با استاندار داویل لغو میشود خیر آن معامله لغو نمیشود و تصوری بیهوده است که ما می کنیم که این پیشنهاد مذاکره با استاندار داویل را قطع خواهد کرد خیر اگر منحصراً بصورت باشد بنده هم ممکن است خیلی تصورات بکنم ما می گوئیم با کمیانی های دیگر هم باید مذاکره بشود آن هم با تشخیص ملیت او که امریکائی باشد مستقل باشد و البته هر وقت شرایط فرعی امتیاز را آوردند هر کدام برای ما بهتر بود آن را قبول می کنیم و این اسامی هم که آقای ملک الشعراء فرمودند خدا شاهد است تا حالا نمی دانستیم و نظری بکمیانی سلیکالر نداشتیم برای اینکه پیشنهاد آنها

آن ها نه در کمیسیون خارج مجلس موجود است نه در هیئت دولت که ما دیده باشیم ما فقط می خواهیم دست دولت را باز گذاشته باشیم که طرف مذاکره او منحصراً بفرد نباشد در این پیشنهاد هم بلفظ کمیانی دیگر نوشته شده است نه بلفظ سلیکالر یا فلان و در موضوع امتیاز فقط هم فقط و فقط از اول که ما مذاکره می کردیم نظرمان نظر اقتصادی بود و نظریه خیاسی نداشتیم بهترین دلیل آن هم این است که نقطه جنوب مادر یکی از منابع مهمه نفت در دیرف درجه پنجم و ششم نفت دنیا است امتیازش را بانگلیسها داده ایم البته هر امتیازی هر وقت موافقت با مصالح مملکتی ما بکنند هر يك از همسایگان یا غیر همجوران خود می دهیم این که عرض کردم عقیده خودم است و لهذا تا پیشنهاد بمجلس نیاید و شرایط فرعی اش را نه بینیم نمی شود قبول کنیم و هر کدام مخالف با مصالح مملکت بود خواه مال امریکا باشد خواه متعلق بهر دولت بزرگتر و کوچکتر از امریکا باشد قبول نخواهیم کرد پس استدعا دارم نظریات سیاسی را هیچ مداخلت باین مطلب ندهند و افکار شخص را مداخله در اوضاع مملکت ندهند و آنهایی که پیشنهاد قبول این امتیاز را می نمایند همین قدر که مضرت سیاسی برای ما نداشته باشد قبول خواهیم کرد و البته صدی یازده از صدی ده بهتر خواهد بود پس چیزی که موجب نگرانی ما میشود این است که مخالف با سیاست ما نباشد آن را هم که هنوز تشخیص نداده ایم هر وقت آن شرایط فرعی را آوردند و ما جزئیاتش را دیدیم اگر صلاح باشد قبول می کنیم ولی اگر مضرت داشت قبول نمی کنیم ولی اگر منفعت داشت متعلق بهر مملکت باشد قبول میکنیم در اینجا پیشنهاد شده است با امریکا مذاکره شود چرا؟ برای اینکه از شش ماه قبل با امریکا مذاکره کرده ایم حالا نخواستیم از آن رای سابق عدول کرده باشیم آمدیم نوشتیم و کمیانی معتبر مستقل امریکائی اما آن قسمتی که بطور کنایه نسبت با اشخاص بود بنده مدافع نیستم هر کس باید از طرف خود مدافعه کند ولی این عبارت بنظر بنده خیلی گران آمد و استدعا می کنم توضیح بدهند چون در ضمن بیاناتشان فرمودند قیافه مجلس مرا ظنین کرد مجلس يك هیئت اجتماعی است و من هم یکنفر از امضاء آن هستم و نفهمیدم قیافه مجلس چه طور ایشانرا ظنین کرد خوب است توضیح بفرمائید برای اینکه در خارج سوء تعبیری نشود اما قسمتی هم که آقایان نمایندگان اظهار احساسات نمودند و آقای ملک الشعراء خیال کردند تهدید است خیر ایشان استقلال را تشبیه کردند براه آهن و فرمودند هر مملکتی که راه آهن ندارد استقلال ندارد این بود که آقایان نمایندگان رد کردند بنده هم عرض می کنم استقلال

مربوط براه آهن نیست الجزایر راه آهن دارد آثرویلان درد و متصل نیست یکی هم افغانستان است که مثل ما است ولی مستقل است هیچکدام از این ها مربوط باستقلال نیست این ها یک امور تریبی است که برای آسایش بشر پیدا می شود همه این ها خوب است ما هم باید بسیر تکامل بکوشیم تا همه این ها برسیم ولی هیچ يك اینها مربوط باستقلال نیست استقلال مانوق این ها است اما نظر ما که این پیشنهاد را امضاء کرده ام ابتدا قطع روابط با استاندار داویل نیست و مقصود ما پیدا کردن روابط با کمیانی هم که آقای ملک الشعراء اسمش را بردند نیست چون دیدیم این مذاکرات شش ماه و نیم است خاتمه پیدا نکرده لذا این پیشنهاد را تقدیم کردیم و اگر آن طوری که آقایان پیشنهاد کردند چهل روز دیگر هم صبر کنیم آن وقت شش ماه دیگر هم باید با او حرف بزنیم و این کار خاتمه پیدائی کند و دوره چهارم تمام می شود و این برخلاف مقصودی است که تصور فرموده اید پس چه ضرر دارد در بین این که با کمیانی استاندار مشغول مذاکره هستیم دیگران هم اگر مطلبی دارند بگویند و اگر شروط دو کمیانی یا سه کمیانی مساوی بود بنده بر قاعده که از قدیم باقی مانده که الفضل للمقدم استاندار داویل را مقدم میدانم و ابتدا نظر سیاسی هم در کار نبوده بلکه نقطه نظر ما اقتصاد است و اقتصاد

ملک الشعراء - اجازه میفرمائید

توضیح میجوایم بدهم

رئیس - بفرمائید

ملک الشعراء - حقیقتاً مسئله

بقدری ساده بوده که بنده فراموش کردم و نمیدانم چه توضیحی عرض کنم يك سخنی را می گفتم و هنوز به آخر نرسانده آقا یک قسمتش را چیدند و مثل آقایان جدلی ...

محمد هاشم میرزا آقا بنده

جدلی نیستم نسبت بمن توهین می کنید

ملک الشعراء - در آن قسمتی

که بنده صحبت میکردم هسته آن این نبود که بدرن راه آهن استقلال نیست و وقتی راه آهن باشد استقلال هم هست این يك موضوع علیحده است در خارج تشریف بیاورید تا برای شما عرض کنم که استقلال تاجه اندازه به آبادی و آبادی تا چه اندازه باستقلال مربوط است و عرض کنم الجزایری که راه آهن دارد چرا استقلال ندارد و افغانستان که ندارد چرا مستقل است مقصود بنده این نبود که استقلال مربوط براه آهن است موضوع بالاتر از این است که ما بتوانیم این جا مذاکره کنیم راجع بظنین بودن از مجلس بنده عرض کردم قیافه مجلس مرا ظنین کرد و توضیح دادم بایستی آقا قانع شوند عرض کردم يك مسئله بزرگی بلافاصله در اطاق

تنفس مجلس برق زدو در آن اطاق باشکول مجولانه بامضاء رسیده و بالاخره بعضی از دوستان و رفقای بنده آن را امضاء فرمودند بعد در نتیجه مذاکراتی که ما کردیم آنها حس کردند که امضاء کردن فرع رای دادن نیست این بود وقتیکه بمجلس آمدم و در مجلس نشستم بنده با حکمال سادگی و نزاکت تقاضا کردم برای اینکه این مطلب در اکثریت مذاکره شود بماند برای جلسه دیگر بعد از این تقاضای بنده حضرت والا شاهزاده نصرت الدوله برخاستند و داخل اصل موضوع شدند و یک نطق باحرارت و شهادتی فرمودند که درجرباید ملاحظه فرمودید آن مسئله مقدماتی و این عجله و بالاخره این تقاضای عاجزانه بنده با آن ترتیبی که بنده تقاضا کردم این ترتیبات را بنده بقیافه مجلس تشبیه کردم و اسمش را قیافه می گذارم حالا اگر شما یک عبارتی می دانید بگوئید.

رئیس - آقای قمی جناب عالی هم مخالفت؟

**آقا میرزا ابراهیم قمی** - بنده مخالفم و یکی از اشخاصی هستم که این لایحه را امضاء کردم و وقتیکه امضاء کردم خیال کردم یک همچو مسئله بطور عادی می آیند بمجلس و تحت شور گذاشته می شود و بکمیسیون خارجه مراجعه می شود و دوشور در آن می شود و وقتی که بمجلس آمد فوریت آن تقاضا شد و اجازه ندادند بکمیسیون مراجعه شود بنابراین چون بنده در باره نفی یا اثبات این قضیه هنوز نظریه اتخاذ نکرده ام و نمی دانم بدست یا خوب است از دادن رأی امتناع خواهم نمود برای این که بنده معتقد بودم در این امر باید تعمق و مطالعه بشود و بنده معتقد بودم که دولت سابق ولد حق و صلحای مجلس در کمیسیون جمع بشوند و این مسئله را تحت مطالعه بگذارند اما چون تقاضای فوریت کردند و نگذاشتند بکمیسیون مراجعه شود

بنده از این جهت مخالفم و هنوز در نفی و اثبات این قضیه تصمیمی اتخاذ نکرده ام.

رئیس - اما بعد از این این کار را نکنید برای این که لایحه را ننخواند امضاء کرده اید

**آقا میرزا ابراهیم** - بنده فوریت آن را ندیدم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

**آقا سید یعقوب** - بنده لایحه را خوانده بودم فوریتش را هم دیده بودم و باهمان هیئت هم رای دادم و لیکن یک مسئله است که نباید از نظر خارج بشود یکی از رفقای من در هیئت متعنه دیروز صحبتی کرد که فوق العاده جالب نظر و توجه شد

این مسئله راهمه می دانم که ما از هر جهت فقیر هستیم فقر علمی داریم فقر رجالی داریم فقر مالی داریم نهایت دست طبیعت و قدرت الهی ذخایری برای ما در قعر زمین بودیم گذاشته که اگر ما بتوانیم آن ذخائر و معادن نفتی را استخراج کنیم گمان میکنم لااگر درد دنیا اول دولت غنی نباشیم مسلماً در ردیف سوم چهارم دول غنی و سرمایه دار دنیا خواهیم بود

آن شبی که لایحه راجع باستخراج معادن نفت شمال را آوردند ما همانند کبوتری که در یک قفس محبوس و گرفتار باشد یک مرتبه روزنه از آن قفس کشوره شد و به مجردیکه ما آن روزنه ها را دیدیم یکمرتبه پرواز کردیم ولی بعد از مطالبی که در روزنامه جات ملاحظه کردیم و اطلاعاتی که در اطراف تحصیل کردیم همچو استنباط شد که بآن چیزی که میخواستیم از دستش فرار کنیم باز گرفتار شدیم این را هم بنده عرض میکنم که ابتدا نقطه نظر سیاسی در کار نیست بلکه مسئله یک مسئله اقتصادی است و همان طور که آقایان اظهار کردند ما بمنزله تاجری هستم که میخواهم مطاع خود را بقیمت اعلا و بالاتر و بالاخره بهر کسی که یکدینار زیاد تر بخرد بفروشم بنده اگر چه روزنامه ها و ارباب جراب چندان دلفغوش نیستیم ولی در عین حال فوق العاده از روزنامه نهضت شرق متشکر هستم که لویج چندی در باب نفت نوشت و در واقع چشم بنده را باز کرد و بر اطلاعات بنده افزود و بالاخره فهمیدم و مستحضر شدم که اصلاً نفت چه مطاع نفیس چه مال التجاره گران بها و یزیمتی است و امروز چه قدر نظریه دنیا متوجه بسوی اوست و تا چه درجه اهمیت دارد که ما سابقاً نمی دانستیم

برادر عزیزم آقای ملک الشعراء همچو گمان می کنند که اگر این کمیانی از بین برود دیگر کسی پیدا نمیشود و این معادن همانطور در زیر خاک باقی می ماند

آقا اینطور نیست زیرا این بمنزله الماس برلیان و در گران بها است و طالب زیاد هم درد دنیا دارد ما باید فریاد بزنیم و بهمه دنیا اعلام کنیم که ما این گنج شایان و این ذخایر بی پایان را در مملکت خود داریم هر کس میخواهد بیاید و استخراج کند تصور نکنید اگر این کمیانی از بین رفت دیگری هم خواهد رفت.

خیر بنده شرط می کنم طالبین خودشان بالتماس می آیند و امتیاز آنها از ما میخواهند پس دیگر این مسئله جای نگرانی و تشویش نیست فرضاً امروز هم نشود فردا خواهد شد و در هر حال این قسم نخواهد ماند و دیر یا زود کشف خواهد شد بنابراین نباید عجله داشت که منافع این معادن حتماً امروزه متوجه ما باشد اگر امروز نشد فردا اولادان و اخلاف ما مبادرت باستخراج این معادن

کرده و منتفع خواهند شد مقصود اصلی ما فقط این است که ایران از این گنج های شایان خود برخوردار و منتفع شود.

اما اصل مسئله ما ازجمله ائدواطلاعات خارجی همچو تصور کردیم که از قفس پرواز کرده ایم ولی نزدیک به تیر صیاد هستیم و حالا باید کاری کنیم که هدف تیر صیاد نشویم چون این مسئله آن روز که صحبت شد تحت شور و مطالعه نیامد و حلاجی نشده بود و در هیئت متعنه که بایک عزم ثابت و مثل کوه ایستاده است مسائل سیاسی و اقتصادی مملکت را تحت نظر و شور گرفته و داخل حل آن بشود چون این مسئله اول در فراد کسیون و بین جمعیت صحبت نشده بود لذا از مجلس تقاضا کردیم که مطالعه و شوری در اطراف آن بشود تا مسئله مثل شب اول قوس نباشد بعد وارد در اصل مسئله شده و اطراف آن را تحت نظر و دقت آوردیم و حالا بنده نظریات و معتقدات خود را در این باب عرض می کنم

ماده پنجم لایحه را که مجلس گذرانده کاملاً ما را از شر تیر صیاد صیانت و نگاهداری می کند زیرا آن ماده تیر صیاد را از ما دفع کرده و در نتیجه کمیانی استاندارد داویل نمی تواند بدون اجازه مجلس با کمیانی دیگری در استخراج معادن شرکت نماید و باید با اجازه مجلس باشد پس کمیانی مزبوره از او نیست که با هر کس بخواهد شرکت کند و چنانچه عرض شد ماده پنج رفع نگرانی ما را از تیر صیاد نموده است.

اما در مسئله اول مجلس شورای ملی بدولت حق و اجازه داده که با کمیانی معروف استاندارد داویل که آنشب بقدری تعریف و توصیف او را کردند که بنده میخواستم حتم ختم امین بجنب برایش بگیرم و وارد مذاکره بشود ولی مجلس فقط حق مذاکره را به دولت داده نه امتیاز زیر دادن فرع بر این است که موادش بمجلس آمده و از مجلس بگذرد این را برای این عرض کردم که رفع سوء تفاهم از آقای ملک الشعراء بشود که دیگر نفرمایند مجلس امتیازی را بیک کمیانی داده است فسخ می کند غرض این است که مجلس بدولت حق داده که با این کمیانی داخل مذاکره شده و راجع باستخراج معادن نفت شمال با او صحبت بکند حالا هم همین مجلس میتواند بدولت بگوید ملت که مرا از جانب خود منتخب کرده و تعیین مقدرات او در سیاست همه دردست من است و همانطور که آن وقت چنین حقی را بتو دادم و حالا هم بتو حق و اجازه میدهم که راجع باین متاع من با اشخاص دیگر و با کمیانی های دیگری مذاکره کنی و البته همانطور که برادر عزیزم آقای محمد هاشم میرزا فرمودند الفضل للمقدم و بدیهی است اگر شرایط کمیانی هائی که میخواهند معادن نفت شمال را استخراج کنند با

شرایط کمیانی استاندارد داویل متساوی و یکی بود اولی حق تقدم دارد پس مجلس امتیازی بکسی نداده و موادی را نگذرانده است که امروز بخواهد او را نقص کند که بگوئید به حیثیت مجلس شورای ملی بر می خورد خیر بهیچوجه به حیثیت مجلس شورای ملی بر نمی خورد ثانیاً سلمناً که امتیاز هم داده شده باشد مگر قوانینی که مجلس وضع میکند قوانین الهی است و حالانها حلال و حرام الی یوم الیامه است قانون اساسی نیست که غیر قابل تغییر باشد بلکه ملت برای منافع خودش یک قانون عادی گذرانده مگر در روزنامه جات و جراید نمی خوانیم که در خارجه هر روز پیشنهاداتی کرده و قوانین تازه وضع می کند و از مجلس می گذرانند چرا برای اینکه منافع شان این طور اقتضا می کند پس ما هم باید منافع خودمان را در تحت قانون بگذرانیم و این قوانین هم بمنزله قانون عادی خواهد بود نه قوانین ثابت و دائمی وضع این قانون برای ترقی مملکت و انتفاع ملت است پس مادام که این قانون نافع بحال ملت و مملکت باشد قبول است و وقتی فائده و نتیجه برای ملت و مملکت نداشته باشد تغییر خواهد کرد زیرا وضع قانون برای این است که منافع ملت را حفظ کرده و او را از حضیض ذلت باوج ترقی و تعالی برساند پس بطوریکه عرض کردم اینکه از مجلس گذشته بهیچوجه امتیاز نبوده بلکه یک اجازه بدولت داده شده که با کمیانی استاندارد داویل داخل مذاکره شود حالا هم مجلس بدولت میگوید با کمیانی دیگری مذاکره کن و آنچه را که مقتضی صرفه و صلاح واقعی ماست عمل کن و هیچ نمی گوید از کمیانی استاندارد داویل صرف نظر کن غرض این است که ابتدا امکان ندارد ما دست از این پیشنهاد برداریم.

رئیس - آقای تدین موافقت یا مخالف.

تدین - موافقم

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله چه طور؟

حاج شیخ اسدالله - موافقم

رئیس - آقای نصره الدوله

نصره الدوله - موافقم

رئیس - آقای میرزا عبدالوهاب هم موافقت؟

حاج میرزا عبدالوهاب - بلی بنده هم موافقم

رئیس - آقای کا زرانی چطور

کا زرانی - بنده هم موافقم

رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی

حاج میرزا مرتضی - بنده هم موافقم

رئیس - آقای محقق العلماء

محقق العلماء - موافقم

رئیس - آقای فتح الدوله و آقای  
ارباب کیخسرو هم موافقت؟  
ارباب کیخسرو - بلی بنده هم  
موافقم .

رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد و  
آقای مستشار السلطنه هم موافقت؟  
مستشار السلطنه - بلی بنده  
موافقم .

ملك الشعراء - بنده مخالفم  
رئیس - اسم جناب عالی هنوز نرسیده  
است آقای مدرس و آقای شیخ العراقین  
زاده هم موافقت؟  
مدرس - بلی موافقم ولی مدافع هم  
هستم .

رئیس - آقای ندین  
(اجازه)

ندین - از موقعی که این قطعنامه  
در مجلس تصویب شد بنده کاملاً موافق  
بودم و این پیشنهادی هم که دیروز بینه رسید  
در حالتی که متجاوزسی نفر از آقایان آن را امضاء  
کرده بودند بنده خواندم و وقت هم نکردم  
و بعد از وقت امضاء کردم اولاً علت موافقت  
بنده گمان می کنم خیلی ساده بود برای  
اینکه این اقدام یک اقدامی بود که منتهای  
آمال و آرزوی هر ایرانی است که باب  
اقتصاد خودش را بروی آمریکا باز و  
مفتوح کند و علت اینکه مذاکرات در این  
موضوع در آن تاریخ علنی نشد و بعد از  
اینکه داخل مجلس شد صلاح ندیدند این  
موضوع زیاد مطرح بحث شود بعقیده بنده  
دو چیز بود یکی اینکه موضوع بقدری واضح  
بود که بهیچ وجه قابل نبود زیاد مطرح بحث شود  
علت دیگر این بود در سوابق ایام بعض  
اینکه ملتفت میشدند دولت ایران با یک  
نقاط و مراکزی داخل مذاکره شده است  
فوری یک آنتریک هائی می کردند و در  
نتیجه نمی گذاشتند دولت ایران در اخذ  
نتیجه موفقیت حاصل کند این دفعه از گذشته  
تجربه آموختند و این طور صلاح دیده شد  
که این مسئله از رقبا مستور بماند که  
آن های مرتبه در مقابل یک امر واقع  
شده و از کار گذشته واقع شوند بنابراین  
مستور ماندن این قضیه را مایک نوع موفقیتی  
برای خود تصور کردیم والا هم اینطور  
نبود که آقایان بکلی از مسئله بی اطلاع  
باشند و بعقیده بعضی ها در پنجاه دقیقه این  
مسئله بطور ساده گذشته باشد خیر این طور  
نبود بعد از آن هم که این قضیه علنی شد  
و از آن تاریخ تا امروز متجاوز از شش ماه  
میگذرد و در این مدت مشاهده کردیم که  
یک سنگبانی در جلو این امر میافتد تعویق  
امر در مدت ششماه خود دلیل بر این است  
که موانع خارجی در مقابل انجام این امر

ایجاد شده است و البته تمام آقایان منبع این  
آنتریک و کسانی که این سنگها را پرتاب  
می کنند بخوبی می دانند و بند، محتاج نمی  
دانم شرح دهم ولی برای این که این  
قضیه با اطلاع عامه ملت ایران برسد بطور  
کلی یک سلسله اطلاعاتی را که بنده در  
مدت این شش ماه از مقامات مربوطه  
تحصیل کرده ام عرض می کنم و در ضمن  
معلوم خواهد شد که مانع انجام این امر  
کی بوده بعد از آن که دولت بنمایند  
سیاسی خودش در آمریکا قطعنامه مجلس  
را ابلاغ کرد (نه امتیاز را) و بنمایند  
سیاسی خودش دستور داد که بروی این  
اصول پنجگانه با کمیانی استاندارد اوایل  
داخل مذاکره و صحبت شود در آن موقع  
البته آقایان می دانند گاهی در ضمن  
اخبار رویت یک چیزهایی اشاعه می شد  
تا آنکه بالاخره اول شرطی که کمیانی  
استاندارد اوایل اظهار کرد و رئیس دولت  
وقت آقای مشیرالدوله نیز پذیرفتند این بود  
که کمیانی مزبور میگفت من حاضر قبول  
امتیاز را بکنم مشروط بر اینکه کمیانی  
نفت جنوب هم بامن شریک باشد این شرط  
را رئیس دولت وقت نه پذیرفتند البته  
معلوم است سرمنشأ این مسئله چه بوده و  
مسلم بود که این شرط را دولت نمی پذیرفت  
و اگر این قضیه به مجلس هم می آمد یقیناً  
و قطعاً مجلس هم نمی پذیرفت و قبول نمی  
کرد بنابراین دولت تلگراف کرد که این  
شرط قابل قبول نیست زیرا افکار ملت  
ایران با قبول شرط مزبور مخالف است  
(گفته شد - صحیح است) بعد از این  
مذاکرات که تقریباً از دو ماه قبل با آن طرف  
می شد بطور خصوصی اطلاع پیدا کرده ایم  
کمیانی استاندارد اوایل گفته است که ما  
باید در سهام خود یک کسان دیگری را  
هم شریک و سهیم قرار دهیم البته تصور  
نمی کنم این مسئله هنوز در معرض قبول  
واقع شده باشد و بنده  
منتظر بودم یک روزی این قضایا در مجلس  
مطرح شود و بنده در آن موقع عقاید خودم  
را در این موضوع آزادانه عرض کنم و امروز  
روزی است که لازم میدانم عقاید خود را علنی  
و آزادانه عرض کنم چرا؟ برای اینکه ممکن  
است در آتیه باظهار عقاید خود موفق نشوم  
و آن این است که بنده با الصراحه عرض میکنم  
که هیچ ایرانی راضی نخواهد شد باینکه  
آن اشخاص که تا کنون دشمن آزادی و معاند  
استقلال و مخالف اقتصاد ما بوده اند بهرام  
و بهر عنوان شریک در امتیاز نفت شمال باشند  
ما حاضریم باب اقتصاد را مفتوح کنیم ولی بهیچ وجه  
حاضر باسارت اقتصادی نیستیم و با هر شرط و طریقه  
که مستلزم اسارت اقتصادی ما باشد که در  
نتیجه اسارت اقتصادی مستلزم اسارت سیاسی  
هم خواهد بود بنده و هر ایرانی قطعاً همه  
نمایندگان مخالف خواهم بود و بنده که دیروز

با این ، شهادت موافقت کردم برای این بود  
که میدانم قبول شدن و اضافه شدن این جمله  
بر آن قانون یک مسئله اساسی را تسریع  
خواهد کرد و آن این است که اصل قضیه در  
نتیجه اضافه شدن این جمله کاملاً مکشوف  
خواهد شد که آیا کمیانی استاندارد اوایل  
حقیقتاً مطابق آن اصول پنجگانه حاضر است  
این امتیاز را قبول کند یا اینکه خیر می خواهد  
ارتباط با جاهای دیگر داشته باشد و در نتیجه  
تصور می کنم رسیدن این خبر باو تأثیرات  
عمیق در اصل حالات او خواهد کرد ما مخالف  
کمیانی استاندارد اوایل نیستیم و معتقدیم به  
این که کمیانی مزبور یککلی از کمیانی  
های بزرگ و معتبر دنیا است  
ولی مخالف خواهیم بود با اینکه او نخواهد  
یکشرایطی را بمانع قبول کند که آن  
شرایط برخلاف آمال و آرزوی ما باشد  
(از طرف جمعیت صحیح است)  
بنام این تصور می کنم اضافه کردن  
این جمله منافاتی ندارد زیرا ما این حق  
را از دولت سلب نمی کنیم که با کمیانی  
استاندارد اوایل داخل مذاکره بشود بلکه  
مایکرفی در مقابل او ایجاد می کنیم و شرایط  
هر دورا می بینیم هر کدام انفع بحال ملت  
ایران باشد او را قبول می کنیم  
و در ضمن ما به این کمیانی هم که الان  
اینجا اسمش برده شد و می گویند دوزخ  
نمایشه بایران فرستاده و مدتی است این جا  
هستند اختصاص نمی دهیم ما نکفیم کمیانی  
سلینکتر یا زینلنگر خیر بطور لاعلی التعمین  
است  
این کمیانی یا کمیانی دیگر برای ما  
فرقی نمیکند بنا بر این ما اصولاً حاضریم  
با یکشرایطی که نفع ملت ایران در آن  
باشد بهر یک از کمیانی های معتبر و مستقل  
آمریکائی این امتیاز را بدهیم اما این که  
فرمودند بی اعتباری مجلس ثابت میشود  
بنده تصور میکنم مجلس امتیاز نامه را  
تصویب کرده است که امروز گفته شود  
بدون جهت رای خود را لغو می کنند یک  
اجازه از طرف مجلس بدولت داده شد که  
با کمیانی داخل مذاکره شود بعلاوه این  
جا هم منع نشده که با آن کمیانی داخل  
مذاکره نشود ششماه و نیم است از این  
قضیه می گذرد و باید هر چه زودتر این مسئله  
حل شود و بنده صاف و صراحتاً عرض می  
کنم که اگر چنانچه این قضیه برفع و  
مصلحت ایران حل شد همه با کمال میل و  
آرزو و شوق رای خواهیم داد و اگر  
چنانچه بصرفه و مصلحت ایران حل نشود  
بنده شخصاً عقیده دارم و گمان می کنم  
همه آقایان هم این عقیده را داشته باشند که  
اگر گنج شایان و ذخایر بی پایان که آقایان اسم  
بردند و ذکر کردند در زیر خاک بماند بمراتب  
اولی تر است از اینکه با اسارت اقتصادی

و سیاسی تن دردم  
رئیس - چون جمعی از آقایان  
خسته شده اند اگر مجلس اجازه می دهند  
ده دقیقه تنفس داده شود  
(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل  
و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)  
رئیس - قبل از اینکه داخل در  
موضوع مذاکرات گذشته شویم مطلب مختصری  
بود که لازم است بعرض آقایان برسانم  
و آن اینست که البته خاطر آقایان مسبوق  
است بواسطه استقرای ضایقه در سابق  
شده است یکقسمت از عایدات گمرکات برای  
اقتساط استقرای تخصیص داده شده هر قدر  
عاید بشود در آخر هر ماه محاسبه می شود  
و اقتساط مقرر خود را برمی دارند و بعد  
مازادش را بدولت می پردازند چون  
حالا موقع محاسبه و تفریغ حساب هر ماه رسیده  
بنده و بانقل دولتی نیست که بتوانند  
آن وجه را بدولت بپردازند چنانچه در  
موقعی یککرورتومان بطور مساعد گرفته  
شد اجازه مجلس را شرط دانستند حالا هم  
برای این که مازاد عایدات گمرک را به  
پردازند موکول با اجازه مجلس کرده اند  
اگر مجلس اجازه بدهد باینکه بنویسم که مازاد  
عایدات گمرک را هر قدر می شود باعتبار  
وزارت مالیه گذارده و بامضای مدیر مالیه  
بپردازد

(عموماً تصدیق نمودند)  
رئیس - پس اگر باین ترتیب  
موافقت خوب است قیام فرمایند  
(اکثر قیام نمودند)

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله  
(اجازه)

حاج شیخ اسدالله - با اینکه  
بنده همیشه معتقدم که مذاکرات در مجلس  
باید مختصر بشود و خودم هم شخصاً غالباً هم  
مصرف باین نکته بودم ولی امشب قصدم  
این بود که قدری مشروح و مفصل تر در این  
زمینه عرایض را عرض کنم ولی اگر آقایان  
ورقاً ببینند امروز فرمودند که مختصرتر از  
سابق صحبت بکنم این است که عرایض خود  
را مختصراً عرض می کنم (بعضی از -  
نمایندگان انشاء الله) اولاً خیلی متأسف  
هستم از اینکه حقیقتاً یک اختلاف نظری  
بین بنده و یکی از بهترین رفقای بنده آقای  
ملك الشعراء در این زمینه روی داده است هم  
چنانکه بعضی از آقایان فرمودند در این  
مسئله در فرا کسیون بایک تصمیمی اتخاذ نشد  
یعنی وقت و مجالی برای اینکار پیدا نکردند  
و بالاخره بواسطه اینکه آقایان مخالفین  
می خواستند تحقیقات عمیقتری بکنند بهمان  
حال باقی بمانند و نظریه جمعیت این شد که  
در این موارد عقاید آقایان رفتار آزاد  
بگذاریم این است که حالا ممکن است آقای  
ملك الشعراء یک عقیده داشته باشند که بر -  
خلاف عقیده بنده باشد اما راجع باظهارات

مقدماتی که بیان فرمودند و راجع به فوق العاده هائی که فرمودند منتشر و پرتاب شد که بنده ندیده ام و گفتند دیروز يك نعت منتشر شده و يك قسمت هم امروز منتشر شده است و بعضی از آنها نظر موافقین این پیشنهاد را تنقید کرده اند و بعضی دیگر نظر مخالفین پیشنهاد را تنقید و تکذیب کرده اند در هر حال يك نسبت هائی داده شده است و بنده از مشاهده این وضعیت خیلی متأسف و متأثرم و تعجب می کنم از اینکه چگونه وضعیت مملکت را باید برخلاف معمول تمام دنیا باشد بعضی از آقایان ارباب جراید تصور می فرمایند که باید تمام مردم در اظهار عقیده آزاد باشند مگر وکیل و حقیقه این قضیه محل تعجب و حیرت است يك مطلبی بمجلس می آید و البته هر يك از وکلاء شاید دلائلی در رد یا قبول آن مطلب داشته باشند در این صورت باید آزادانه عقیده خود را اظهار نمایند چنانچه شاهزاده سلیمان میرزا مکرر اینجا اظهار فرمودند وکیل باید با کمال شجاعت عقیده خود را بگوید و آن عقیده برخلاف معتقدات و نظریه تمام آقایان و کلام باشد اظهار نماید ولی امروزه متأسفانه در تحت بعضی تأثیرات که در مملکت ما حکم فرماست این مسئله مورد تنقید واقع شده و در نتیجه بعضی ها متوسل و متشبث به جراید و انتشار فوق العاده ها و يك چیزها می که ذکر آن حقیقتاً تأسف آور است می شود ولی بنده باین چیزها ترتیب اثر نمی دهم و تصور می کنم عقیده آزاد است و عقیده خود را هم در هر مورد با کمال آزادی اظهار کرده و خواهم کرد هر کس هم چه می خواهد در زمینه مخالفت بنده بنویسد و آقای ملک هم نباید از اینکه روزنامه بر خلاف ایشان چیزی نوشته متأسف باشند ایشان عقیده خود را اظهار می فرمایند و ما هم نظریه خود را عرض می کنیم و البته در موقع خودش معلوم خواهد شد که گوی به خطا رفته و گوی بصواب رفته است و حالا بعد از این مقدمات دیگر بنده نمی خواهم بیس از این شرح دهم اما از اصل مطلب وقتی که بنده این پیشنهاد را امضا کردم مطلب بنظر من خیلی ساده آمد حالا هم خیلی صاف و ساده و روشن است سابق بر این مجلس يك قطعنامه صادر کرد و اجازه بدولت داده که با کمیانی استاندارد اوایل امتیاز نفت شمال داخل مذاکره نمودم چنانکه بعضی آقایان فرمودند متأسفانه بعد از اینکه شش ماه از رسیدن مسئله می گذرد تازه می بینیم بایک قضایائی مصادف شده و مشکلاتی پیش آمده است که برخلاف نظریه تمام نمایندگان است و هیچ يك از نمایندگان که در آن موقع رأی باین مسئله دادند تصور می کردند احتمال نمی دادند این قضایا پیش می آید کمیانی استاندارد اوایل راجع به نفت شمال پیشنهادی

کرد که بر حسب ظاهر خیلی ساده بود و ما هم با کمال بشاشت این مطلب را تلقی کرده و با کمال امیدواری بدولت اجازه دادیم داخل مذاکره شود متأسفانه حالا می بینیم پیشنهاد اداتسی می شود که شاید بعقیده بنده صلاح ما در تصدیق و تصویب آنها نباشد دولتهای سابق هم اینطور اظهار کرده اند که چون مجلس رأی داده است فقط با کمیانی استاندارد اوایل داخل مذاکره شویم از این جهت نمیشود با کمیانی های دیگری داخل مذاکره شد در صورتیکه این مطلب صدق باشد البته آقایان تصدیق می فرمایند که با این صورت دست دولت بسته است چنانچه شش ماه طول کشید و نتیجه مطلوب هنوز حاصل نشده است پس خود مجلس دست دولت را باید باز کند.

خود آقای ملک فرمودند ( ممکن است در تحت تأثیرات بحران و شاید يك دوره های فترتی يك چیزهای ناگواری پیش بیاید) بنده همین فرمایشات را دلیل بر این میدانم که هر چه زودتر باید دست دولت را باز کنیم که اگر خدای نکرده دوره فترتی پیش بیاید دست دولت باز باشد و طریقه اقدام دولت منحصر بمذاکره با کمیانی بخصوصی نباشد

باید دست دولت باز باشد که با کمیانی های دیگر هم داخل مذاکره شده و پیشنهاد هر کدام موافق مصالح مملکت باشد آن را قبول کنید و این مغز نیکه پس از قرن ها بواسطه يك تضییقاتی که از بعضی دول بها میشد و نمی توانستیم از آن مخزن ها استفاده کنیم

امروز در تحت تأثیراتی که پیش آمده آزادانه بتوانیم آنها را استخراج کنیم و سرمایه دارهای امریکار در مملکت خودمان جلب کنیم اگر هر آینه دیدیم در تحت يك تأثیراتی باز يك تضییقاتی بها وارد می آید آنوقت باید معتقد باشیم و بگوئیم که آن خزائن و دفائن طبیعی مملکت ما بهمان حال اولی باقی باشد بهتر است تا در تحت تأثیراتی واقع شویم و خوب است کشف آن را برای اعقاب خودمان بگذاریم که آنها با کمال قدرت و آزادانه موفق باستخراج آن معادن شده و آزادانه استفاده کنند

ولی اگر هر آینه آن تضییقات برداشته شد و ما جلوتر تضییقات را با کمال استقلال و قدرتی که داریم گرفتیم باید اجازه بدولت داده شود که با کمیانی های مختلف امریکا مذاکره شود و پیشنهاد هر کدام بحال ملت ایران نافع بود آن را قبول نموده با او معامله کند

این مسئله طبیعی است که اگر مشتری یکنفر باشد و فروشنده هم محتاج بفروختن متاع خود باشد قطعاً مسئله بیشتر بمنافع

مشتري تمام خواهد شد تا منافع فروشنده زیرا چون مشتری يکي است و خریدار هم مجبور لذا هر چه دلش بخواهد پیشنهاد می کند يك احتمالات دیگری داده اند و فرمایشاتی فرمودند که اگر بنده بخواهم داخل آن موضوع شوم برخلاف قولی خواهد بود که با آقایان داده ام

ولی همین قدر بطور مختصر و ساده عرض می کنم که بنده نه کمیانی که اخیراً آمده است می شناسم نه کمیانی استاندارد اوایل را و نه هیچ کدام را دیده ام و نه با هیچ يك از این ها الحمد لله رابطه دارم زیرا بنده يك ایرانی هستم و همیشه مذاکرات و سروکار من با ایرانی بوده است و امیدوارم همین طور هم باشد و بنده هیچ نظر بکمیانی دون کمیانی ندارم و فرقی هم برای بنده نمیکند فقط مطالب صاف و ساده است که بمن الغاء شده و همانطور وقتی که نزد خود می سنجم و مقایسه میکنم می بینم در حساب دو دوتا چهارتا میشود همان طور هم نمیتوانم این را منکر باشم که دومشتری بهتر از يك مشتری است پس بنا بر مراتب فوق باید دست دولت باشد که هی اظهار بکنند آقایان نمایندگان من نمیتوانم غیر از استاندارد اوایل با کمیانی های دیگر داخل مذاکره شوم و اخیراً کمیانی استاندارد ماده پیشنهاد کرد واقعا چیز غریبی است و حیرت آور است اما بنده پیش از این عرض می کنم و بهمان مطالب ساده قناعت کرده و سعی می کنم که داخل يك مطالب سیاسی نشوم اگر موقع دیدی رسید آن وقت عرایض خود را خواهم کرد

رئیس — جمعی از آقایان تقاضا کرده اند که مذاکرات کافی است (بعضی گفتند مذاکرات کافی نیست)

رئیس — چون تقاضا کرده اند مجبورم رأی بگیرم آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند

اکثر نمایندگان قیام فرمودند  
رئیس — معلوم میشود کافی است علاوه بر پیشنهاد اصلی يك پیشنهاد دیگری هم رسیده است قرائت میشود بدو پیشنهاد تانی رأی میگیرم بعد به پیشنهاد اولی آقای منتصر الملك پیشنهاد مزبور را بمضمون ذیل قرائت نمودند

امضا کنندگان ذیل پیشنهاد مینمایم برای تسریع و تمجیل در حل قضیه معادن نفت شمال پیشنهاد فعلی مسکوت عنه مانده و بدولت از تاریخ تشکیل کابینه الی مدت چهل روز مجال و وقت داده شود که آخرین تصمیمات و نظریات کمیانی استاندارد اوایل را تحقیق نماید هر گاه در این مدت قضیه مطابق فصل پنچ گانه اجازه نامه مجلس شورای ملی حل و تسویه نشود دولت مجاز و مستغنا خواهد بود با کمیانی های دیگر داخل

مذاکره شود

بعضی تقاضا نمودند امضای پیشنهاد کنندگان قرائت شود و بشرح ذیل قرائت شد

عماد السلطنه طباطبائی — ملک الشعراء اقبال السلطان — حاج امین التجار — آقامیرزا ابراهیم قمی — آقا سید کاظم یزدی  
ملک الشعراء — بنده توضیحی دارم

رئیس — بفرمائید

ملک الشعراء — بنده باز برای دفعه دیگر با کمال احترام در عین حال با کمال العاج خاطر آقایان را متذکر می کنم و استدعا می کنم قدری فکر و تعمق فرمایند و باین خیال نباشد چون این پیشنهاد را عده خیلی کرده اند حتماً آن را رد کنند و چون این پیشنهاد پیشنهاد آن ها را مسکوت می گذارد نباید قبول بشود استدعا میکنم باز قدری تفکر و تعمق فرمائید و اگر چنانچه دیدید این پیشنهاد عملی تر و جامع الاطراف تر است آنوقت رأی بدهند اساساً اصراری که بنده دارم و مذاکراتی که کردم برای يك نکته مهم است و آن این است که سرمایه امریکا بهر مقاومت بهر سعی و کوشش که ممکن است شمال ایران جلب بشود و این معادن لاتمد و لاتقصی و آن کنجهای شایکان و بقول آقایان این الماسهای برلیان استخراج شود باز تکرار می کنم و در ابرام خود باقی هستیم هر مملکتی که معادن و منابع ثروت و استخراج نشود هر قدر در ظاهر ماده استقلال بزند و فریاد کند مشت بسندان کوفتن است بالاخره يك مملکت فقیر و بی استبداد نمی تواند در مقابل این دنیای نو و این محیط نو و این اسباب های نو مقاومت کند اگر چه در قلوب افراد ملت اسم استقلال نقش شده باشد و قتی که اقتصاد و ثروت و بالاخره آبادی نداشته باشد از بین میرود از نقطه نظر حساب و مطابق نظریات فنی و عملی فانی و زایل می شود این اصل عقیده بنده است و این عقیده را غالب آقایان داشته اند و جز مرام عملی آنها بوده است نظر باینکه عقیده بنده و رفقای بنده است بهر وسیله که ممکن است سرمایه امریکا را شمال ایران جلب کنیم باید بهر اندازه سعی و جدیت داریم بکار ببریم و سعی کنیم این رشته اقتصادی مهم که دنیا بها داده است از بین نرود و باید دقیق بشویم و حتی الامکان از نظریات اکثریتی و اقلیتی که چون من این کار را کرده ام باید همبطور بشود صرف نظر کنم هالبجانبی کنیم و از این مرحله بگذریم و در این پیشنهاد دقیق بشویم اگر دیدیم خوب است رأی بدهیم آقای تدین در ضمن نطق مهیج و فصیح خودشان بالاخره فرمودند اگر این معادن کشف نشود همبطور بماند بهتر است از اینکه

بدست رقیب مخالف بیفتد البته بدست رقیب مخالف بیفتد مثل این است که خانه ما را بیگانه بسازد این طبیعی است و یکی از ایده آل های ما و هرایرانی است و بنده هر ایرانی را با این عقیده موافق و تمام را مایل باستقلال می دانم ولی طرق فکر و عمل شان مخالف است البته هر ایرانی میل دارد خانه خودش را خودش بسازد و همه در اصل قضیه شریک هستیم اما در مراحل آن ممکن است اختلاف پیدا شود ممکن است بعضی ها بگویند این قضیه برخلاف میل ما واقع می شود ولی بواسطه این جزئیات ما نباید رشته ارتباط هائی را که بنفع ما تمام میشود قطع کنیم باید آن رشته های مانده را نگاه داریم و مردانه بایستیم و جلو آن رشته های سوء را بگیریم و نگذاریم این رشته ارتباط اصلی مقطوع شود نباید این خیال را بکنیم که چون صد سال یاسه هزار سال یا از اول دنیا خراب بوده باز هم خراب بماند این حس را باید عوض کرد پس برای اینکه هم بدولت اجازه داده باشیم با کمیانی دیگری داخل مذاکره بشود و هم رشته مذاکرات را با کمیانی استاندارد اوایل قطع نکرده باشیم گمان می کنم این پیشنهاد را باید تصویب کنیم زیرا چنانچه عرض کردم ممکن است کمیانی ستاندارد اوایل بهانه این پیشنهاد و تصور اینکه مجلس و دولت دیگر حاضر نیستند ا او مذاکره کنند خود بمذاکره با دولت فائده دهد این بدیهی است که آقایان می گویند دو مشتری بهتر از یک مشتری است بنده هم همین عقیده را دارم الان هم دو مشتری است یکی استاندارد اوایل است و یکی سلیبکلرولی اگر آن نگرانی بنده صورت واقعیت پیدا کند و با کمیانی استاندارد اوایل قطع روابط شود آنوقت مشتری خواهد بود آنوقت قطعاً کمیانی که نماینده او در طهران است طرف ما خواهد بود پس برای اینکه با کمیانی استاندارد اوایل قطع روابط نشود و بهانه بدست او ندهیم و در انتظار خارجه احترام قبول و رأی مجلس را هم از دست ندهیم این نکته را آقایان در نظر بگیرند اگر عرایض بنده مؤثر واقع شده باشد بجناب می گویند و رأی بدهند و اینکه آقای تدین فرمودند ما امتیاز ندادیم و قطعنامه بوده است البته تمام امتیازها در ابتدا که داده میشود بتمام جزئیات آن روی کاغذ نمی آید ابتدا بطور کلی می نشینند تصویب می کنند که دولت با فلان کمیانی در فلان موضوع در تحت این شش شرط یا دوش شرط داخل مذاکره شود و نتیجه مذاکرات خودش را به مجلس بگویند پس از آن قطعنامه که فرمودید ما آن قانونی که در برج قوس راجع بامتیاز نفع شمال تصویب

شد هر اسم و هر عنوان داشته باشد محترم است خصوصاً وقتی که طرف آن قانون یا طرف آن مصوبه يك دولت یا يك ملت خارجی باشد يك دولتی که تازه ما می خواهیم با آنها داخل معامله شده و سرمایه آنها را به مملکت خود جلب کنیم و شرآین حیاتی خودمان را با سرمایه آنها پر از خون کنیم و مملکتمان را آباد کنیم وقتی يك چنین دولتی و يك چنین کمیانی با عظمت و اهمیتی با قانون و با رأی ما طرف است ما باید احترام آن را نگاه داریم و نباید اجازه بدهیم که بگویند مجلس شورای ملی ایران يك روزی می نشینند و بمجلسه يك رائی می دهد و بعد از شش ماه دیگر برخلاف موادی که خودش تصریح کرده است می نماید بدولت اجازه می دهد که با فلان کمیانی داخل مذاکره شود و بنده هم از قول ما بگویند که گفته اند ما نفهمیدیم و رأی دادیم این ها بدبختی مملکت است این ها ساعت نگرانی است پس برای حفظ آن قانون یا آن مصوبه یا آن قطعنامه یا آن امتیاز بیاید باین پیشنهادی بدهید یا يك پیشنهاد دیگری شبیه بآن تهیه بفرمائید تا ما به آن رأی بدهیم و بدون يك مجوز قانونی يك دفعه دولت را در عین مذاکره با استاندارد اوایل بطرف دیگر سوق نداده باشیم راست است صورت این قضیه ساده است و شاید بنفع ما است البته دو مشتری بهتر از يك مشتری است ولی حقیقت او و انعکاس او بد است و انعکاس او در خارجه صحیح نیست.

پس حالا که میخواهیم این استفاده را از تراشیدن رقیب بگیریم با يك شرط خوبی بگیریم یعنی بدولت بگوئیم تا چهل روز باید آخرین نظر کمیانی استاندارد اوایل را تحصیل کنی و بمجلس بیاوری اگر بعد از چهل روز موفق بختم عمل نشدی با کمیانی های دیگر امریکائی هم می توانی داخل مذاکره شوی در پیشنهاد ما هم لفظ امریکائی حذف شده و البته آقایان منشیها اصلاح خواهند کرد.

این اجازه هم که شما بفرمائید در این پیشنهاد است ولی بعد از چهل روز و آن وقت این مسئله موجب میشود که کمیانی استاندارد اوایل عملیات خود را سریعتر کنند و در این چهل روز با احتیاط اینکه مبدا دولت متوجه کمیانی ها را دیگری بشود آخرین نظریات خود را میگوید باین طریق هم دست دولت را نمی بندیم و هم دیگران را امیدوار میکنم که تا چهل روز دیگر صبر کنند این پیشنهاد ما این محسنات را در این راهم عرض کنم که در زمان کابینه آقای مشیرالدوله مطابق اطلاعاتی که بنده دارم ایشان به پیشنهاد سلیبکلر مراجعه کردند آن دوسه هارا به آقای نصرت الدوله هم دادند و بنده هم خدمت ایشان دیدم و باز هم بطور غیر رسمی آقایانی که با نمایندگان آن کمیانی مربوط و آشنا هستند می روند

و داخل مذاکره می شوند در ظرف این چهار روز هم این مذاکرات بعمل می آید و هم استاندارد اوایل بهانه برای قطع مذاکرات پیدا میکند

و هم نسبت خلف قول و تزلزل رأی بمجلس در خارجه داده نمیشود

کمیانی استاندارد اوایل هم مایوس نمی شود این است که از آقایان تقاضا میکنم عالیجنابی کند و به پیشنهاد ما رأی بدهند رئیس — آقای نصرت الدوله (اجازه)

نصرت الدوله — آقای ملک الشعراء اسناد حرارت و عصبانی شدن را در جلسه گذشته به بنده دادند ولی برای اینکه خوب بایشان ثابت کنم که خون سردی بنده خیلی بیش از آن است که ایشان تصور میکنند هم آنوقت که صحبت میکردند عرض نکردم و هم حالا بمذاکرات شخص ایشان جواب عرض نمی کنم و چون ایشان در ضمن توضیح پیشنهاد داخل اصل مطلب شدند بنده هم اجازه میخواهم مجدداً در مقام مدافعه از این پیشنهاد داخل اصل مطلب شوم آقایان هم نباید خسته و عصبانی شوند و نباید مایل باشند که مجلس زود ختم شود و بمنزل خود تشریف ببرند زیرا مسائل حیاتی يك مملکت در بین است و اگر هم از شب تا صبح وقت صرف نمائیم نباید خسته شویم و از میدان تطویل در برویم دو سه مطلب مهم در ضمن مذاکرات گفته شده و تمام آن مسائل را با اندازه کافی آقایان محمدها هم میرزا و ندین جواب داده و تهریح نموده اند ولی چون عین آن مطالب تکرار شده بنده هم اگر تکرار کنم معذورم.

اولا خوب است عوض مضاجره در سرالفاظ بقانون مصوبه ليله اول قوس که در جلوی چشم ما است مراجعه کرده و خودمان را باین مذاکرات معطل نکنیم بعضی میگویند امتیاز است و برخی میگویند امتیاز نیست قانون است این قانون در ماده اول اجازه واگذار کردن امتیاز نفع را دارد ولی امتیاز داده نشده زیرا در ماده چهارم این قانون تصریح شده که فعلاً لازم نیست عرض کنم باید به مجلس بیاید و هنوز نیامده است.

فقط اجازه بدولت داده شده که داخل مذاکرات شود بنده دیدم آقای ملک الشعراء مکرر در مکرر مستمسک میشوند باینکه بنده در ضمن صحبت پررئوز بایشان عرض کردیم نفهمیدیم و تصور میکنند یک گناه کبیره شده یا بنده یک حرف بی فکری زده ام که آقایان مخالفین می توانند آن را حربه خود کنند خیر بنده این حرف را از روی فکر گفتم بنده گفتم نفهمیدم و از قول جناب عالی هم میگویم نفهمیدم زیرا اگر فهمیده بودید و میدانستید که کمیانی استاندارد اوایل ماده

پنجم این قانون را که مبنی عدم شرکت کمیانی است متزلزل خواهد کرد رأی نمیدادید

پس اگر ما همه آنروز به کمیانی استاندارد اوایل رأی دادیم نمیدانستیم کمیانی استاندارد اوایل یک کمیانی است که ممکن است ماده پنجم این قانون را متزلزل کند و آنکه فرمودید از ملاحظه دوسه ها چیز تازه معلوم نشد خیلی تعجب است آیا بیش از اینکه ماده پنجم این قانون در خطر است چه میخواستید معلوم شود

پس حالا هم عرض میکنم و اقرار میکنم و بهمه جای دنیا از قول بنده تلگراف کنید که در موقعیکه بنده منحصرأ بدون رقیب به کمیانی استاندارد اوایل رأی دادم برای این بود که بنده هیچ وقت فرض نمیکردم کمیانی استاندارد اوایل خیال شرکت با یک کمیانی دیگری را داشته باشد و اگر فهمیده بودم هیچ وقت مذاکرات دولت را به کمیانی استاندارد اوایل منحصر نمیکردم پیشنهاد هم که چهل و دو نفر از وکلای محترم امضاء کرده اند و فقط یک نفر تردید در امضای آن کرده بعقیده بنده نه محتاج بمطالعه بود و نه محتاج به تعجب از اینکه بدون مقدمه طرح شد اولاً بنده این مطلب را نمیتوانم بفهمم مقدمه یعنی چه.

مقدمه مجلس شورای ملی همین است که اگر يك فکر و یک نظریه با یک عقیده برای یکی از آقایان و کلا بیش بیاید مقدمه طبیعی و بلکه طبیعی ترین مقدمه او همین است که بیاید در همین جا آن عقیده را اظهار کند

بنده نمی دانم اینکه می گویند من نمی دانستم و قبلاً به من مذاکره نکرده بودند یعنی چه؟

یک مطلبی ابتدا در مجلس طرح میشود دو جلسه سه جلسه در آن بحث می شود و ما ها که قید فوریت کردیم و دانسته و فهمیده و خوانده امضاء کردیم برای این بود که در مجلس مذاکره بشود و به کمیسیون نرود و یک کشور بشود قید فوریت انحصار نمی دهد که حتماً مذاکره در یک مطلب در ظرف یک ساعت تمام شود ممکن است پنج روز هم در آن بحث شود و بتمام حقان گفته شود این هیچ استعجاب ندارد که چرا اطلاع و سابقه نمیشود وقتی یک مطلبی بمجلس می آید و این مطلب در حدود سیاسی یا اقتصادی یا اجتماعی یا هر چیزی که فرض بفرمائید یا حسن ظن یا سوء ظن یا حسن نیت یا سوء نیت برای اشخاص بیش بیاید در همچو قضیه باید دید حدود مطلب چیست؟

در آن پیشنهاد چه گفته شده بود که محتاج مطالبه و مذاقه و مباحثه و جمع شدن صلاحاً و عقلاً و آوردن دوسه ها و مراجعه

بدولت باشد گفته نشده بود این امتیاز را لغو کنید

بنده امروز می شنوم که شرایط فلان کمیانی صد شانزده یا بیست و هشت است همچون کراتی در پیش نه بوده و اگر بنده می شنیدم بطور غیر رسمی می شنیدم و هرگز بنده از بکرگز رسمی چنین چیزی نشنیدم مگر و دهم کمیانی بالاختصاص نه بود مقصود این بود که به کمیانی استاندارد اوایل انحصار نداشته باشد.

مقصود بنده همانطور که آقای مدرس فرمودند این بود که دو مشتری بهتر از یک مشتریست و پنجاه مشتری تازه اول خوشبختی است.

وقتی مذاکرات یا بموجب تلگرافات منتشر شود

کمیانی های آمریکا که منحصربه استاندارد اوایل و سلینگر نیست پیشنهادات خود را میدهند و حش از اینکه این یکی متزلزل میشود یا خیر این ها قضاوت های قبل از رسیدگی است.

البته یکدولتی باید قبلاً مطالعه کند و به پیش این بهتر است یا آن یکی تا وسایل مقایسه ایجاد نشود این کار نشده است و آقای مشیرالدوله هم برخلاف آنچه که گفته شد بطور رسمی هیچ پیشنهادی را نپذیرفتند و اگر اظهار اطلاعی کرده اند غیر مستقیم بایشان رسیده زیرا خود آقای مشیرالدوله به بنده فرمودند.

بموجب این قانون دولت نمی تواند با هیچ کمیانی دیگری مذاکره کند پس از افزودن این عبارت و توسعه دادن به مشتریها نه اعتبار مجلس را از میان میبریم و نه قانون سابق را نقض می کنیم نه استاندارد اوایل را متزلزل میکنم مگر در مکرر بنده لفظ بهانه جوئی را شنیدم بنده نمیدانم بهانه جوئی یعنی چه بهانه جوئی یعنی موقعی که يك کسی وسیله نداشته باشد و بی وسیله بگردد این قدر وسیله برای بهانه است که اگر استاندارد اوایل خواست لازم نیست این مسئله را بهانه کنید بنده عرض میکنم استاندارد اوایل نه فقط بهانه خواست بلکه هر قدر شما سخت بشوید اونرم میشوم چرا از برای اینکه مورد مورد مهمی است و به اندازه ذی قیمت و گرانبها است که استاندارد اوایل یا کمیانی های دیگر هیچوقت بی بهانه نیستند و با کمال حقوق برای بدست آوردن یک همچو منبع ثروتی حاضرند منتها ما که فروشنده و صاحب مال هستیم باید منافع خودمان را حفظ کنیم همان منافعی که یک کمیانی خارجی را وادار میکند با یک کمیانی دیگری سازش کند

همان منافع هم باید ما را وادار کند که در حفظ مصالح مملکت خودمان بکوشیم حالا اگر مسئله اساسی قابل تردید است بنده نمی دانم در صورتیکه بر حسب اطلاعاتی

که آقای تدین از اخبار و روبرو حاصل کرده اند و بموجب اطلاعاتیکه خود بنده از روزنامه نیویورک تیمس راجع به قرار دادی که به کمیانی استاندارد اوایل یا کمیانی انگلیس و ایران نسبت میدهد تحصیل کرده ام دیگر جای تردید برای مابقی نمی ماند و اگر یک چنین مذاکره باشد وقتی استاندارد اوایل به بیند ملت ایران از این قرار داد راضی نیست شاید از این خیال صرف نظر کند و مجدداً با دولت ایران طرف مذاکره شود و در آن موقع هم پیشنهادات لازم را برای اینکه ما بدانیم از زیر پرده چه بیرون آمده است بما خواهد داد این ها همه احتمالات است.

در هر صورت ما ابداً نمی خواهیم روابط و مذاکره با استاندارد اوایل بنمائیم و همین علت است که بنده مخالف با این پیشنهاد جدیدم و بدولت گفته شود اگر بعد از چهل روز موافقت حاصل نشد آنوقت با کمیانی های دیگر داخل مذاکره بشود بنده این را هیچ صلاحی نمی دانم زیرا اصل رقابت وقتی

خوب محفوظ می شود که تمام کمیانی ها در عرض هم مذاکره کنند این که یکی بعد از دیگری مابقی اصل رقابت می کردیم که يك اشخاص و يك کمیانی هائی از نقطه نظر اقتصادی و از نقطه نظر تجارتی و با رعایت شرط اصلی کدر ماده پنجم ذکر شده است و آقای آقا سید یعقوب فرمودند ما را از تیر صیاد حفظ می کند یعنی جلوگیری از سیاست را می گیرد پیدا شوند و تماماً در عرض هم شرایطشان را در معرض سابقه و مقایسه بگذارند به همین جهت بنده با پیشنهاد ثانی مخالفم و عقیده مندم که به همین پیشنهادی که اول شده است و راجع به اصلاح ماده اول قانون سابق است رای داده شود زیرا بهیچوجه من الوجوه لطمه و صدمه بزرگی بکسی وارد نمی آید و استاندارد اوایل را بهمان آزادی ماقبل می گذاریم که عقاید و پیشنهادات خود را اظهار کند يك اشاره هم گویا آقای آقا یعقوب در ضمن بیان خودشان فرمودند که در همان موقعی که ما این اجازه را می دادیم نمی دانستیم يك چیز هائی در خارج درست شده بنده بموجب سند یعنی بموجب همین روزنامه نیویورک تیمس به ایشان عرض می کنم که این قرار دادی که می گویند موافق ۴ ماه و نیم قبل یعنی در ماه مارس هذمه السنه است پس این را باید آقایان بدانند کدر آن موقع همه چیز زمینه هائی نبود زیرا در کمسیون خارجه که بنده آن موقع سمت مغبری داشتم این اندازه ها تفحص و تجسس بعمل آمده است و بالاخره بنده در قسمت های دیگری نمی خواهم داخل بشوم و لو این که در یک قسمت از شکایات آقای ملک الشعراء راجع به بطبوعات بایشان شریکم و خود بنده همیشه از این مسئله نالیده و گفته ام خواه در مطبوعات باشد خواه در مجلس خواه در هر کجا باشد باید بدانند که شرط شرافت

و انسانیت حفظ نزاکت است و خارج شدن در حفظ نزاکت و داخل شدن در الفاظ و عبارات و جملاتی که از حدود اشخاص با شرف تربیت شده خارج می شود این تنزل خود شخص است و الا در يك مملکتی که يك همچو فضایل و يك همچو اخلاقی شیع داشته باشد برای طرف مقابل این قبیل تنقیدات ای بسا تمجید است بنابراین در این قسمت همه بایشان شریکیم و میل داشتیم رفقا و هموطنان عزیز ما که اداره کردن افکار عموم را در دست گرفته اند همیشه در حدود تنقید ادبی و حقیقی بمانند و هیچوقت بشخصیات نیردازند و امیدوار هستم برای این که آنها بدانند ما در این آرزو و مرام صادق هستیم چیزی را که برای خودمان نمی خواهیم برای دیگران هم نمی خواهیم ما هم پیش از پیش در اینجا مواظب و حافظ این عقیده باشیم.

رئیس - پیشنهاد ثانی مجدداً قرائت می شود و رای می گیریم.

**آقای میرزا ابراهیم قمی -** بنده راجع به تردیدی که نسبت به بنده دارند توضیحی دارم.

رئیس - چه فرمودید؟  
**آقای میرزا ابراهیم قمی -** خواستم علت تردیدی را عرض کنم مطلب غیر از این بود که فرمودید.

رئیس - در نظامنامه نوشته است که علت تردید را توضیح بدهند.

**آقای میرزا ابراهیم قمی -** يك نسبتی به بنده دادند و گفتند در امضاء خود تردید نموده.

رئیس - بموجب کدام ماده این تذکره را می کنید؟

**آقای میرزا ابراهیم قمی -** خواستم توضیح بدهم که رفع اشتباه بشود.

رئیس - اگر عقاید جنابعالی را برخلاف واقع جلوه داده اند می توانید توضیح بدهید و اگر می خواهید یک مسئله را که بیان شده توضیح بدهید آن امر حل شده است اگر مجلس اجازه بدهد می توانید بفرمایید (بعضی گفتند لازم نیست)

آقای منتصر الملك مجدداً پیشنهاد ثانوی را بمضمون سابق الذکر قرائت نمودند  
**ملک الشعراء -** عرض کردم يك لفظ امریکائی اضافه کند

رئیس - چون پیشنهادی را که در روز قبل شده بود بمنزله پیشنهاد اصلی تلقی می کنم و این پیشنهاد را بمنزله اصلاح بر آن پیشنهاد این است که بدو در این پیشنهاد رای می گیریم و اگر تصویب نشد در پیشنهاد اولی اخذ رای خواهد شد حالا اگر ترتیب دیگری بنظر آقایان میرسد بفرمایند.

(بعضی گفتند ترتیب همین است)  
پیشنهاد ثانوی با اضافه لفظ امریکائی مجدداً

(شرح ذیل قرائت شد)

امضاء کنندگان ذیل پیشنهاد می نمایم برای تسریع و تمجیل در حل قضیه معادن نفت شمال پیشنهاد فعلی مسکوت نه مانده و بدولت از تاریخ تشکیل کابینه الی مدت چهل روز وقت مجال داده شود که آخرین تصمیمات و نظریات کمیانی استاندارد اوایل را تحقیق نمایند.

هرگاه در این مدت قضیه مطابق فصول پنجگانه اجازه نام مجلس شورای ملی و تصفیه نشود دولت مجاز و مختار خواهد بود با کمیانی های امریکائی دیگر هم داخل در مذاکره شود.

رئیس - رای می گیریم باین پیشنهاد ثانوی که قرائت شد آقایانی که این پیشنهاد را تصویب می کنند قیام بفرمایند (عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد پیشنهاد اولی قرائت میشود

(آقای منتصر الملك بمضمون ذیل قرائت نمودند)

نظر باینکه قانون مورخه لیله قوسی ثانی قوی لیل ۱۳۰۰ بدولت اجازه داده است که راجع بامتیاز نفت شمال با کمیانی امریکائی موسوم (با استاندارد اوایل) داخل مذاکره شده و بارعایت اصول قانون مزبور صورت امتیاز نامه مفصلی طرح و مجدداً به مجلس پیشنهاد نماید نظر باینکه شش ماه و نیم از تاریخ مزبور می گذرد و هنوز تکلیف قطعی این امر مشخص نشده نظر باینکه کمیانی های معتبر مستقل امریکائی دیگر نیز هستند که مایل بتقدیم شرایطی بدولت می باشند و نظر باینکه منظور مقنن در موقع تصویب قانون مزبور و اجازه امتیاز بکمیانی استاندارد اوایل فقط استفاده از منابع ثروت مملکتی بوسیله سرمایه کمیانی های معتبر امریکائی که عاری از هر نوع نظری باشند بود لهذا برای آنکه بواسطه مذاقه در پیشنهادات کمیانی های متعدد منافع اقتصادی مملکت بهتر رعایت شده و برای دولت وسیله مقایسه بین شرایط مختلف موجود بود و ما امضاء کنندگان با قید فوریت پیشنهاد می نمایم مجلس شورای ملی تصویب فرماید که در ماده اول قانون مذکور در فوق پس از عبارت کمیانی استاندارد اوایل عبارت ذیل افزوده شود

(و یا کمیانی معتبر مستقل امریکائی دیگری) که باین طریق ماده اول قانون مزبور از این قرار خواهد بود و مجلس شورای ملی ایران و گذاری امتیاز حق استخراج نفت ایالات مفصله الاسامی شمال ایران را به کمیانی استاندارد اوایل یا کمیانی معتبر مستقل امریکائی دیگری تصویب می نماید نقاط مزبوره شامل ایالات آذربایجان - کیلان - استرآباد - مازندران - خراسان خواهد بود.

رئیس - بعضی از آقایان تقاضا نموده اند

با ورقه اخذ رأی شود قرائت میشود بعد باورقه رأی می گیریم.

(بمضمون ذیل قرائت شد)

مقام محترم ریاست مجلس

ما امضاء کنندگان ذیل چون موضوع پیشنهادی را که مطرح شده است مهم دانسته و بعلاوه در رأی قیام و قعود امتناع کنندگان معلوم نمیشود لذا پیشنهادی کنیم که باورقه رأی گرفته شود.

قوام الدوله . امین التجار . آقا میرزا ابراهیم قمی . مساوات . وکیل الملک رئیس - این هم شرحی است که آقای سلیمان میرزا نوشته اند.

(شرح ذیل قرائت شد)

مقام محترم ریاست مجلس

چون در ضمن مذاکرات صحبتی از اقلیت و نظریه ایشان شد این است که اجازه می خواهم رأی رفتار را که در این موضوع آزاد گذاشته شده است و بنده شخصاً امتناع هستم و علت امتناع بنده هم این است که هیئت دولتی حاضر نیست که رأی خود را با دلایل پیشرفت بگوید تا نمایندگان از روی اطلاع کامل رأی بدهند و بعلاوه دیده ایم قوانینی که با حضور دولت گذشته دولت های بعد او را عملی ندانسته و بواسطه واحد موقوف الاجراء گذاشته فلذا دولت حاضر نیست ممکن است دولت در چهار مشکلاتی شده و باز مبتلا بماده ده شویم باین دلیل بنده امتناع هستم. (سلیمان محسن)

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - دیگر موردی

برای اجازه باقی نمی ماند چون آن مطلبی را که می خواستم عرض کنم خوانند و حالا هم اگر اجازه میفرمائید دو مرتبه تکرار کنم این است که بمنظور که آقایان اعضاء هیئت متعده عقیده شان در این قضیه از او است در قسمت ما هم این مسئله آزاد است و هر کس مطابق عقیده خودش اظهارات خود را می کند و متکی بعقیده عموم نیست و بنده هم که منتع هستم موقع را مفتنم می شمارم و علت امتناع خود را عرض می کنم و آن نبودن هیئت دولت است در مجلس زیرا ما دیده ایم قوانینی که سابقاً از مجلس گذشته و دولت هم بوده وقتی آن دولت از کار افتاده و دولت دیگری روی کار آمده است تازه اشکالات عجیب و غریبی که عملی نیست و فلان و فلان است تولید می کند پس امروز که يك اکثریت شصت و پنج نفره که بنده جزو آن نیستم به يك هیئت دولتی رأی داده و اظهار اعتماد کرده و آن دولت اینجا نیست نمی توانیم رأی بدهیم زیرا رأی قوه مجریه را نمی دانم چیست این است که در پیشنهاد اولی که رأی گرفته شد چون با قیام و قعود رأی گرفته میشد و شخص امتناع

کننده معلوم نمیشد از مجلس خارج شدم و بعد هم تقاضا کردم علت امتناع خود را در این پیشنهاد عرض کنم

رئیس - رأی می گیریم باین پیشنهاد اولی که ماده اول قانون سابق را بنحویکه قرائت شد تغییر میدهد آقایانی که تصویب می کنند ورقه سفید و آقایانی که تصویب نمی کنند ورقه کبود خواهند داد

اخذ واستخراج آراء بعمل آمد و نتیجه بترتیب ذیل حاصل گردید عده حضار ۷۴ نفر

ورقه سفید علامت قبول ۵۴

ورقه کبود ۳

امتناع ۱۷

رئیس - عده حضار ۷۳ و با اکثریت ۵۴ رأی تصویب شد

آقا سید یعقوب - سؤالی دارم اجازه می فرمائید.

رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب - خواستم عده امتناعیون را سؤال کنم زیرا عده در مجلس بیش از این عده هستند که رأی داده اند لابد بعضی هستند که اصلاً ورقه ندادند

رئیس - اشخاصی که امتناع کرده اند هفده نفرند.

(اسامی تصویب کنندگان)

آقایان - آصف الملک . امیر ناصر . نصیر السلطنه . میرزا علی سکا زرانی . نصرت الدوله . محمد هاشم میرزا . آقا سید محمد باقر دست غیب . عمید المملک . آقا سید یعقوب . قوام الدوله . بیان الملک .

میرزا شهاب الدین . ارباب کیخسرو . سید حسین خان بلوچ . منتصر الملک . حاج میرزا اسداله خان . رکن الملک . رئیس التجار آقای تدین . صدرائی . حاج شیخ اسدالله

شیخ الاسلام ملایری . مستشار السلطنه . رفعت الدوله . ناظم دفتر . عماد السلطنه

خراسانی . شیخ العراقین زاده . لسان الملک آقا میرزا هاشم آشتیانی . حاج میرزا تقی

خان نائینی . سالار معظم . آقا سید فاضل سردار معظم کردستانی . شیخ الاسلام

اصفهانی . نصیر دیوان . حاج مخیر السلطنه صدر الاسلام بهری . فتح الدوله . فهم الملک

حاج میرزا مرتضی . محقق العلماء . حاج شیخ محمد حسن کروی . میرزا ابراهیم

خان ملک آرائی . وقار الملک . نظام الدوله بیان الدوله . احتشام الدوله . محمد ولی میرزا

آقا سید محمد تقی طباطبائی . شریعتمدار کرمانی . سهام السلطان . امین الشریعه

آقای مدرس . دکتر لقمان (اسامی رد کنندگان)

آقایان حاج امین التجار . ملک الشعراء اقبال السلطان.

رئیس - جلسه را ختم می کنیم جلسه آینده روز سه شنبه چهار ساعت بظهر مانده

دستور هم مسئله ازدیاد حق المهور راه طهران به دماوند خواهد بود آقای زنجانی .

(اجازه)

آقا شیخ ابراهیم زنجانی -

بنده و آقای مساوات از عضویت کمیسیون بوجه استعفا کرده ایم بفرمائید عوض ما دو نفر را انتخاب نمایند.

رئیس - در جلسه دیگر استعفا نامه قرائت میشود اگر بنا شد انتخاب می کنند.

مجلس تقریباً ۳ ساعت و نیم از شب گذشته ختم شد (مؤمن الملک)

جلسه صد و سوم

صورت مشروح مجلس یوم

سه شنبه شانزدهم شوال

۱۳۴۰ مطابق بیست و سوم

جوزا ۱۱۱۳۰

مجلس سه ساعت و نیم قبل از

ظهر ریاست آقای مؤمن الملک

تشکیل گردید

(صورت مجلس یوم شنبه بیستم

جوزا را آقای امیر ناصر

قرائت نمودند)

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

(اجازه)

آقا سید یعقوب - می خواستم عرض کنم که اسامی رأی دهندگان خوانده شود حالا که خوانده شد دیگر عرضی ندارم

رئیس - گویا نسبت بصورت مجلس ایرادی نباشد؟

(اظهاری نشد)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد دو فقره راپورت از کمیسیون عرایض و مرخصی رسیده است:

یکی راجع بمرخصی دو ماه و نیم بجهت آقای سلطان العلماء و دیگری

مرخصی يك ماهه برای آقای امیر ناصر است که کمیسیون تصویب کرده و باید رأی گرفته شود

آقای سلیمان میرزا

(اجازه)

سلیمان میرزا - البته آقایانی که مشغول وظائف نمایندگی هستند بنده یقین دارم انجام وظائف نمایندگی را بر سایر

کارهای شخصی ترجیح می دهند و البته تا برای انجام کاری در کمال اضطراب و عسرت نباشند مرخصی نخواهند خواست ولی

بنده اخیراً می بینم که آقایان اجازه می گیرند و مثل اعتبار تجارتخانه هادر جیبشان می

گذارند و تشریف نمی برند اگر این اجازه برای يك کار ضروری

است که واجب تر از انجام تکالیف نمایندگی و حقوق اهالی است پس چرا تشریف نمی

برند؟ اگر برای تفنن است و اجازه را در

جیبشان می گذارند تا هر وقت هوا گرم شد یا کاری پیدا شد از آن استفاده کنند

بنده این را نمی پسندم و عقیده ام این است از همان موقعی که مرخصی بجهت

آقایان تصویب می شود از همان وقت محسوب شود و اگر از همان روز تشریف نبرند

بعد از انقضای مدت آن اجازه باطل شود و اگر اینطور نباشد یعنی از همان روزیکه

مرخصی تصویب می شود تشریف نبرند چیز غریبی است و بنده مخالفم

بهر جهت گمان می کنم دو چیز باعث می شود که آقایان برای مرخصی تحصیل اجازه

می نمایند یکی اینکه هر روز در وسیله اعمال آنان

نوشته نشود و در صورت مجلس خوانده نشود غایب بدون اجازه موکلین آنها بداندند

این شخصی را که انتخاب کرده اند يك کار ضروری برای او اتفاق افتاده است و بدون

جهت غایب نشده است این يك سبب هست يك سبب دیگر این است که خجالت می کشم عرض کنم و آن

استفاده از حقوق و کالنی است که بنده برای انجام کار شخصی یا عمومی با هر چه هست

اجازه مرخصی بگیرم که هم بروم آن کار را انجام دهم و از ماهی دو بیست تومان

حقوق و کالنی استفاده کنم و بنده با این مسئله کاملاً مخالفم زیرا با این فقر و فاقد

مملکت و با اینکه همیشه از کسر بودجه مملکت شکایت داریم و بعلاوه آقایانی که

اجازه مرخصی می گیرند و عقب کاری می روند البته آن کاری باندازه حقوق و کال

برای آنها ارزش دارد در این صورت خوب است وقتی مرخصی داده می شود بدون حقوق

باشد هر چند که این حقوق کم است ولی باید تا بن انداز هم ملاحظه بودجه را کرده

که ببودجه مملکت ضرر وارد نیاید و بنده ممکن است با قید این دو شرط با اجازه

نامه موافقت کنم یکی اینکه بی حقوق باشد یعنی

در موقع مرخصی حقوق نگیرند و یکی این که آن مرخصی از موقعی که اجازه

داده می شود حساب شود نه از موقع حرکت

رئیس - آقای آقا سید یعقوب از طرف کمیسیون می خواهند صحبت کنند؟

آقا سید یعقوب - بلی

رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب - گرچه حق آقای عبیر

بود که از حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا سؤال کنند چرا در يك موضوعهایی که هیچ

مداخلت بمسئله ندارد وارد میشوید؟ آقا تقصیر وکیل چیست؟ تمام وزارتخانه ها و

ادارات مرخصی دارند . تقصیر وکیل چیست که مرخصی نداشته باشد نمی دانم حضرت

والا ناچاره انداره می خواهند فشار بر و کلاه

وارد بیاورند در موقعی که تمام جرایم فریاد میزنند اختصاص دادن نقط شمال باستاندار و اوایل اسباب ضرر مملکت است حضرت والا امتناع می کنند.

**سلیمان میرزا** - این چه مناسبت دارد ؟

**آقاسید یعقوب** - اگر میخواهد حرف بزند اجازه بگیرد .

**رئیس** - از موضوع خارج نشوید

**آقاسید یعقوب** - آخر تقصیر

و کیل چیست ؟ و کیل بیچاره چه گناه کرده ؟

و کیل پس از آنکه یک سال تمام در

کمسیونها خدمت کرده و زحمت کشیده

حالا می خواهد مرخصی بگیرد شما مخالفت

می فرمائید ( من می دانم نظر شما به شاهزاده

محمد هاشم میرزا است ) من نمیدانم این

مرتبه چه تقصیر کرده ایم که وکیل شده ایم

و متصل حضرت والا با حمله می آورند گاهی

از بالا تا پایین را بادست اشاره میکنند و

مارا نمایند اعیان و اشراف خطاب میکنند

و میگویند شما طرفدار فقرا نیستند و تنها

خودشان را طرفدار فقرامیدانند گاهی می

گویند چون وکیل شده اید باید از حقوق

خودتان محروم بمانید و در موقع مرخصی

حقوق نگیرید در صورتی که همه بدانند

حقوق و کلا ماه به ماه اندر ترسد و آلا ن هفت

ماه است که بیک نفر صبح حکم الله گفته نشده

است و ولی در کار نبوده است به علاوه وقتی

وکیل اجازه می گیره و میبیند بهران

بیش آمده است برای خدمت موکلین خود

بر مرخصی نمیرود تا بهران مرتفع شود آن

وقت می رود اینکه شما میفرمائید من مخالف

هستم مگر شما با و کلا هنادارید ؟ اگر چه

گمان نمیکنم با کسی دشمنی داشته باشید

پس خوب است مخالفت خودتان را پس

بگیرید .

**رئیس** - آقای امیر ناصر

( اجازه )

**امیر ناصر** - بنده تقریباً مدت چهار

سال در نتیجه اقدامات شاهزاده سلیمان میرزا

و جمعی دیگر از وطن اواره شده و قریب یک

کرور دارائی خودم را در راه مملکت بخل

نمودم و دو مرتبه خانه من خانه دوست ساله

خانواده من در نتیجه همان عملیات بغارت

روسها رفت و این مسئله را تمام افراد این

مملکت میدانند و در ازاء آن همه خسارات و

زحمات از کسی عوض و نتیجه تقاضا نکردم

امروز پس از چند سال آوارگی و آن همه

زحمات و خسارات که ببینده و خانواده بنده

وارد شده تقاضا کرده ام یکماه مرخصی به

بنده داده شود که بروم و چهارمزرعه خرابه که

وسیله معاش من است سر کشی نمایم

حالا حضرت والا می فرمایند مشروط بر این است

که از حقوق استفاده نکنند کسی که از بخل یک

کرور اموال خودش مضایقه نداشته و با کمال

افتخار و سر بلندی بدل نموده است البته از بدل دوست تومان مضایقه نخواهد داشت خوب حضرت والا این مسئله را درباره اشخاص نفرمائید که شایسته و مناسبت دارد و نه درباره کسانی که با کمال افتخار در مملکت زندگانی کرده و مدت عمرشان را مفتخرأ بیایان رسانده اند و خانواده آنها هم در مدتی که تاریخ نشان میدهد نسبت بمملکت خائن نبوده اند بنده بیش از این عرض نمی کنم

**رئیس** - گمان میکنم این مسئله

بیش از این مذاکره لازم نداشته باشد

**محمد هاشم میرزا** - اجازه می

فرمایند بنده از خودم دفاع کنم

**رئیس** - مرسوم نبود است برای این

جزئی مطالب انقدرها مذاکره شده

**محمد هاشم میرزا** - آخر به

انسان نیش میزنند و تو همین مینمایند

**سلیمان میرزا** - بنده هم توضیحی

دارم

**رئیس** - بسیار خوب بفرمائید آقای

محمد هاشم میرزا

( اجازه )

**محمد هاشم میرزا** - بنده

عرض میکنم که در آن موقع کارهای شخصی

بنده چقدر در هم و بر هم بود و چه شدت مجبور

بودم حرکت کنم ؟ ولی چون بهران بیش

آمد با هر عجله که برفتن داشتم انجام کار

و کالتی و ماندن این چاراهمتر از کار عادی

دانستم حالا اگر این گناهی است که از

بنده ناشی شده که مسائل مملکتی را بر کار

های شخصی مقدم داشته اند خوب است

عفو بفرمایند .

به علاوه اگر این مسئله که فرمودند

ساده بود و از آقای مستوفی الممالک که در

صورتیکه سالی یازده هزار تومان میگیرند

و از حقوق و کالتی هم استفاده می کنند می-

پرسیدند چرا بمجلس حاضر نمیشوند آنوقت

از این سرعوی خودم نمی رنجیدم اگر بنده

در یکسال دوماه از حقوق استفاده کردم

ایشان که سالی دوازده ماه استفاده مینمایند

و هر روز در صورت مجلس نوشته می شود

غایب بدون اجازه خوبست طهرانیها و شاه

زاده سلیمان میرزا ایشان را تنقید نماید که

سالی یازده هزار تومان می گیرند و راه

میروند ولی نظر باینکه حضرت والا بایشان

دوست نیستند نسبت بایشان اظهار میفرمایند

**یک نفر از نمایندگان** - مذاکرات

کافی است

**رئیس** - بنده هم عرض کردم گویا

مذاکرات کفایتی باشد اگر بخواهید

مذاکره کنید تقریباً یازده نفر اجازه

خواسته اند

**سلیمان میرزا** - بنده حق توضیح

دارم چون آقایان مطالب بنده را طور دیگر

تفسیر فرمودند  
**رئیس** - سائرین هم می خواهند توضیح بدهند .  
**مدرس** - رأی بگیرید  
**رئیس** - آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند  
اغلب نمایندگان - قیام نمودند  
**رئیس** - معلوم می شود کافی است - رأی می گیریم به رایورت کمیسیون عرایض و مرخصی . آقایانیکه دو ماه و نیم مرخصی آقای سلطان العلماء را تصویب می کنند قیام فرمایند .

( اکثر نمایندگان قیام نمودند )

**رئیس** - تصویب شد رأی و کمیریم

به مرخصی یکماهه آقای امیر ناصر آقایانیکه

تصویب میکنند قیام فرمایند

( جمع کثیری قیام نمودند )

**رئیس** - تصویب شد ولی چنانچه

گفته شد مرخصی از موقع تصویب محسوب

می شود .

( جمعی گفتند صحیح است )

**محمد هاشم میرزا** - خیر برایورت

کمیسیون عرایض و مرخصی رأی داده ایم

هر طور اینجا نوشته است صحیح است

**رئیس** - در رایورت از روز حرکت

نوشته شده است لایحه حق العبور در راه طهران

بدهاوند مطرح است

آقای مستصر الملك بشرح ذیل

قرائت نمودند

کمیسیون قوانین مالیه لایحه وزارت

پست و تلگراف راجع به حق العبوریکه باید

در راه تهران بهر ماوند از وسائط نقلیه اخذ

شود مطرح شود قرار داده و بترتیب ذیل آن

را اصلاح نموده به عرض مجلس میرساند

ماده اول - مجلس شورای ملی اخذ

حق العبور از وسایل نقلیه و محمولات را در

راه شوشه از طهران الی دماوند بتفصیل ذیل

تصویب می نماید ،

اسب و شتر باردار با مسافر سوار از

طهران بجا رود دوازده شاهی

**رئیس** - قرائتش لازم نیست طبع

و توزیع شده است مذاکرات در کلیات است

آقای سلطان العلماء

( اجازه )

**سلطان العلماء** - بنده برای

توجه خاطر مبارک آقایان نمایندگان گمان

معتبرم لازم است يك مطلبی را به عرض برسانم

البته خاطر مبارک آقایان بخوبی مستحضر

است که سعادت و ترقی و حیات سیاسی

هر ملت و مملکتی بسته است به اصلاح طرق

و شوارع آن مملکت و تاراهای مملکت

اصلاح نشود وسیله ثروت برای آن مملکت

فراهم نمیشود بنده این راه دماوند را رفته ام

ولی راه عراق را که رفته ام بطور مثل عرض

میکنم .

در چندی قبل در آن راه بعنوان راه عربستان يك بلیطی داده می شد و يك وجهی بعنوان حق العبور گرفته میشد يك مقدار از راه هم شوشه بود .

مثلا از هشتری یکقران و از هشت مسافر

پیاده ده شاهی می گرفتند و مردم اعتراض

داشتند و می گفتند چه باعث شده است در

صورتی که تمام راه شوشه نیست این مقدار

پول می گیرند و بعضی باینکه مسافرت

کرده اند بدیده اند از اینجا تا هشتستان از هشت

دستگاه شاید سی الی سی و دو تومان حق

العبور می گیرند در صورتی که آقایانی که

به اروپا تشریف برده اند می دانند اشخاصی

که می خواهند مسافت های طولانی تر از

این راه را به بیمایند و به ماشین سوار میشوند

کلیه خرج راه آنها کمتر از این مبلغ می

شود به علاوه در این لایحه می نویسند از

فلان نقطه تا فلان نقطه باید

فلان مبلغ را بعنوان حق العبور بدهند .

در صورتی که در قانون نو اقل حقوق نواقل

را از شهری بشهری معین کرده بودند يك

مثل ساده می زنم .

مثلا یکبار برنج که از مازندران بار

می شود باین ترتیب که در این لایحه نوشته

شده اگر بخواهند از او حق العبور و حق

نواقل و غیره بگیرند مبلغ کزافی تا اینجا

خرج بر می دارد البته آقایان تصدیق می-

فرمایند که اساس هر سلطنت و هر دولتی برای

ترقیه و ترقیه حال فقر است و در سایر نقاط

بوسیله تأسیس کارخانجات و غیره اسباب

رفاه حال مردم را فراهم می سازند حالا که

متأسفانه آن وسائل را نداریم خوبست اقلا

اسباب فشار اهالی را فراهم نیآوریم و راست

است که این مبلغ جزئی است ولی جزئیات

هم که جمع شود گلی می شود بلی تصدیق

می کنم که این مسئله بحال دولت صرفه دارد

ولی از آن طرف می بینیم که از کلیات صرفه

حاصل دولت نمیشود و حیف و میل می شود

چه رسد باین جزئیات بهر جهت در این

لایحه جز اسباب تضییق و فشار فقر اوهارین

چیز دیگری یافت نمی شود عقیده بنده این

است اگر هم می خواهند این قانون را وضع

کنند فقط يك محل را برای اخذ حق العبور

معین کنند مثلاً کسی که خواست از دماوند

عبور کند فلان مبلغ بدهد والا این ترتیب

که از کجا به کجا چه قدر و از کجا به کجا

چه قدر باید بدهد اسباب زحمت فقر اوهارین

شده و صرفه هم بحال دولت نخواهد داشت

و بنده چون عضو کمیسیون قوانین مالیه

هستم و در موقعی که این لایحه به کمیسیون

آمده بود بنده مرخصی گرفته بودم و حاضر

نبودم ناچار عقاید خودم را در مجلس به عرض

آقایان رسانیدم .

**رئیس** - آقای زنجانی موافق هستید

یا مخالف ؟

**آقا شیخ ابراهیم زنجانی** -

بنده با حال حاضر این لایحه مخالفم

**رئیس - آقای ارباب کیخسرو**  
**چطور؟**  
**ارباب کیخسرو -** بنده مخالفم.  
**رئیس - آقای سدید الملك**  
**موافقت؟**  
**سدید الملك -** بنده با طرز جریانش مخالفم.  
**رئیس - طرز جریانش نوشته نشده**  
**آقای عماد السلطنه خراسانی موافقت یا مخالف؟**  
**عماد السلطنه -** مخالفم.  
**رئیس - آقای سردار مفتاح**  
**چطور؟**  
**سردار مفتاح -** مخالفم.  
**رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی**  
**مخالفند؟**  
**حاج میرزا مرتضی -** بلی بنده هم مخالفم.  
**رئیس - آقای تدین**  
**(اجازه)**  
**تدین -** بنده از حیث نقابسی که در این لایحه هست با آن مخالفم.  
**رئیس - آقای آقا سید یعقوب**  
**آقا سید یعقوب -** بنده موافقم.  
**رئیس -** بفرمائید.  
**آقا سید یعقوب -** اگر چه بنده ادله والفین را ننشیده ام ولی چیزی که آقای سلطان العلماء بیان کردند بنده نمی دانم شان باراه سازی مخالفت دارند؟ با اینکه باید شوسه شود و وسائل تسهیل حمل قیل فراهم شود مخالفت دارند؟ این که نمی شود برای این که وقتی راه شوسه شده و وسائل حمل و نقل آسان شده البته برای مملکت بهتر است راه سازی اسباب آسایش مملکت است.  
 راه آهن و کارخانجات اسباب ترقیه حال ملت و مملکت است پس با راه سازی بهیچوجه نمی شود مخالف کرد و یقین دارم مخالفتی که آقای سلطان العلماء دارند از حیث راه سازی نیست و گمان میکنم با گرفتن حق العبور مخالفت داشته باشند این هم که قابل مخالفت نیست زیرا دولت خزانه مخصوص ندارد و وقت اینکار بکند و هیچ پول نکیرد بنده که چنین صندوق و خزانه سراغ ندارم دولت با خودش یا توسط یک کمیانی راه را میسازد که پس از ساخته شدن راه و سهل شدن عبور و مرور عابرین از آنها وجهی اخذ کند و تا پول هم بگیرند نمی تواند راه را آباد کند قبل از اینکه این راه ساخته شود قاطر ها پرت میشد الاغها پرت میشد و هر سال مبلغها خسارت و تلفات مالی و جانی وارد میامد و حالا که راه ساخته شده و جاده صاف شده و مکاری یا غیره با کمال سهولت عبور و مرور میکند البته باید یک حق بدهد و الا

باز راه خراب میشود و همان حال اول را پیدا میکند این یک رسمی است که در تمام دنیا معمول است چرا باید ایران مادر همه چیز برخلاف سایر دنیا باشد؟ اما اینکه می فرمائید چرا در این راه در نقاط مختلف پول میگیرند؟ عرض میکنم برای این است که مسافر مختلف است مسافر است از اینجا تا تاجر و مسافر است از اینجا تا بومهن یا ز اینجا تا دماوند هر کدام از این نقاط چند فرسخ باهم تفاوت دارند از اینجا تا دماوند ده فرسخ است و این ده فرسخ را بسه قسمت کرده اند و مسافرین در هر یک از این نقاط باید حق العبور بدهند و حق العبور آنها هم مختلف است البته وقتی راه شوسه شد و عبور و مرور سهل شد مسافرین خودشان بارضا و رغبت این جزئی پول را میدهند و چون مسافرین مختلف هستند اگر بغواهم بگوئیم هر کس از اینجا بدماوند رفت باید این پول را بدهد نمیشود برای اینکه بعضی ها میخواهند از اینجا تاجر و برونروند و بعضی ها میخواهند از اینجا به بومهن بروند اگر اینطور باشد باید آنها چیزی ندهند اگر هم بفرمایند این پول زیاد است باز هم عرض میکنم خبر زیادی نیست منتهی باید سعی کرد که این پول در راه خودش خرج شود یعنی برای تعمیر راه مصرف شود البته مجلس شورای ملی بیشتر باید ناظر اعمال وزارت خانه ها و این قبیل کارها باشد (چنانچه هست و پولی که بدست می آید سعی کند که در راه خودش بمصرف برسد و الا راه دیگری برای آبادی نداریم.  
**رئیس - آقای زنجانی**  
**(اجازه)**  
**آقای شیخ ابراهیم زنجانی -** اساساً مالیات یا هروجهی که از مردم گرفته میشود برای این است که آن شخص که مدیر آن کار است و اختیار آن پول را او است آن پول را رقاهیت و صلاح عموم مصرف کند نه اینکه آن پول را متعلق بخودش بداند اساساً پولی که می دهد برای رقاهیت و آسایش خودش می دهد نهایت این است که بدست یک نفر رئیس می سپارد و می گوید این پول را برای آسایش و رفاه من خرج کن مالیات یا هر وجهی که رعایای من بدهند برای آسایش عمومی و برای حفظ حدود استقلال و امنیت مملکت می دهند مثلاً در این راه دماوند حق العبور می دهند برای این است که راه ساخته شود و اسباب تسهیل عبور و مرور فراهم آید حالا اگر این نظر نباشد یعنی آن پولی که گرفته می شود در راه ترقیه و ترضیه عمومی خرج نشود آن مالیات نمی شود آن پول جزیه است مثلاً من می گویم اگر پول بدهی تو را زنده نمی گذارم اگر مالیات بدهی تو را می کشم آن وقت هم در ترقیه حال

تو خرج نمی کنم این جزیه است و مالیات نیست یا اینکه مثلاً از ولایات بگیرند و بیاورند اینجا شهریه بدهند و در منافع اهالی خرج نکنند این خیلی بد است اگر حقیقتاً راه آباد شود و روندگان و آیندگان آسوده باشند این بهترین چیزها است ای کاش در تمام ایران اینطور بشود کرد و حاضر بر ما وارد آمده است انسانها حیوان ها در این راه تلف شده اند باز هم راه ها اصلاح نشده است البته اگر یک دفعه خرج شود و راه ساخته شود که مسافرین آسوده باشند خیلی خوب است حالا در این لایحه نوشته شده است چون مبلغی را سابق می گرفته اند برای تعمیر و سایر مخارج راه کفاف نمی داده است با این ملاحظه مقداری بر آن افزوده شده است بلی اگر بنده مسلماً و یقیناً بدانم این طور که نوشته شده صحیح است و این پولی که گرفته می شود حقیقتاً برای آباد نگاهداشتن راه مصرف می شود غرض و مخالفت نمی کنم ولی باید دید که در سال گذشته بعنوان حق العبور در این راه چقدر اخذ شده و چقدر خرج شده؟ از این پولیکه سال گذشته گرفته اند کجا را ساخته اند؟ و کدام معمار و مهندس در این راه کار کرده؟ و بواسطه کسر پول کدام نقطه اش خراب و ناقص مانده است کمی گویند چون کار تمام نشده برای اتمام کار این اضافه را را پیشنهاد کرده ایم ای اضافه را برای آنجا مصرف خواهیم کرد و مردم را در رقابت نگاه خواهیم داشت اگر اینطور باشد جای مخالفت نیست و البته کسانی هم کمی آیند و میروند پول می دهند برای اینکه در رقاهیت هستند و لکن من نمیدانم سال گذشته چقدر گرفته شده چقدر تعمیرات شده و چقدر از تعمیرات باقی مانده و می ترسم وقتی تصویب کنیم مثل یک راه داری بشود یعنی از مردم بگیرند و راه هم درست نشود لذا بهمه آقایان عرض می کنم که اگر کسی اطلاع دارد که یا رسال چقدر گرفته اند و چقدر خرج کرده اند و چقدر از تعمیرات باقی مانده که برای تکمیل آن این اضافه را لازم دارند برای بنده توضیح بدهند آن وقت بنده رأی میدهم و چون بنده تربیت را نمیدانم خوب است توضیح بفرمایند.  
**معاون وزارت پست و تلگراف -** در سنه ۱۲۹۴ اداره پست لازم دانست این راه را دائر نماید برای اینکه علاوه بر اینکه ساختن این راه و پلهای این راه مفید است به آلمان برای راه مازندران و همچنین از برای راه فیروز کوه و سمنان هم مفید است بنابراین هر قدر با وزارت فوائد عامه مکاتبات کردند بایول نداشتند یا اعتبار نداشتند این راه را اصلاح کنند تا بالاخره اداره پست اجازه ساختن

آن را تحصیل نموده و در سرطان ۱۲۹۵ شروع باین کار نمودند و در حمل ۱۲۹۶ تمام شد آقایانیکه بدو ماند تشریف برده اند البته تدریق خواهد فرمود که یکی از راه های ضرب راه دماوند است و پلهاییکه در آن راه ساخته شده است خیلی خوب ساخته شده و مصالح خوب در آنجا کار کرده اند و تمام با آجر و آهک ساخته شده است و ماست مالی نکرده اند بعد این راه شروع کرد بکار کردن در سال اول چهار هزار تومان عیدی داد و سال بعد رسید بینچ هزار تومان و همین طور ترقی کرد تا در سال تحاقوی نیل که عایدات این راه بچهارده هزار تومان رسید یک مهندس هم مخصوص باین راه است که مسیودا هر است که در وزارت فوائد عایدات و دائماً در سر این راه هست و معلوم است این راه یک عده اجزانی برای گرفتن حق العبور دارد مسافر زیادی هم ندارد در موقع زمستان بامال پست را می برند و در تابستان با گاری و اسال چون دیدند مسافر زیاده نیست بامال پست را حرکت می دهند و اما اینکه می فرمایند چه مبلغ برای این راه خرج شده است عرض می کنم اساساً قریب پنجاه هزار تومان در این راه خرج شده است و در سال های بعد هم بر سالی ۴ هزار تومان صرف تعمیر راه شده است اما چون بعضی از آقایان مذاکره می نمودند این لایحه راجع براه است و باید از طرف وزارت فوائد عامه تقدیم شود وزارت پست و تلگراف هم مخالفتی ندارد ولی اگر در دست اداره پست باشد بهتر اداره می شود و همان طور ملاحظه فرمودید وزارت فوائد عامه نتوانسته است راه های دیگر را هم اداره کند به علاوه اداره پست در این راه یک مخارجی کرده است و مجبور هم شده است این خرج را بکند ولی چون تصویب نامه صادر شده است که اداره پست این راه را بسازد و خودش عایدات آن را بردارد و اگر به خواهند این راه بوزارت فوائد عامه برگردد البته باید یک قرارداد در باب مخارجی که اداره پست کرده است بدهند آن وقت وزارت فوائد عامه منتقل می شود.  
**رئیس - آقای سلیمان میرزا**  
**(اجازه)**  
**سلیمان میرزا -** بنده استدعای میکنم آقایان عرایض بنده را بدقت اصفا بفرمایند که دیگر برای هر کس تولید سوء تفاهم نشود که بعد مجبور باشیم توضیح بدهم آن وقت هم وقت توضیح نباشد چنانچه در وهله اول هم شد یعنی عرایض بنده را طور دیگر تفسیر کردند و وقت هم ببنده نرسید که توضیح بدهم به رجعت

بنده از چند نقطه نظر باین لایحه مخالفم  
مقدمتاً باید عرض کنم که بعد نگویند  
باراه سازی و راه آهن و آبادی و امنیت  
کسی مخالف است و يك فرض هائی که  
هیچ گوینده آن را فرض نکرده است  
پیش خودشان فرض بفرمایند نه خیر  
گوینده که الان خدمت آقایان ایستاده  
است ابداً با این مخالفت ندارد و آرزوی  
که دارد این است که مملکت راه آهن و  
وسائل حمل و نقل و امنیت و آبادی و  
آزادی و همه چیز داشته باشد که تمام اهالی  
مملکت استفاده کنند ولی معذرتاً بنده از چند  
نقطه نظر باین لایحه مخالفم اول این که  
همانطوری که آقای معاون پست و تلگراف  
فرمودند اخذ حق العبور و راه سازی با  
وزارت فوائد عامه است برای چه وزارت  
پست و تلگراف آن را پیشنهاد کرده است؟  
پس معلوم می شود که وزارت خانه ها هنوز  
وظایف و کار های خودشان را هم نمی  
دانند!!! این لایحه یکی از لواهی است  
که علی الاصول باید وزارت فوائد عامه  
پیشنهاد کند این يك مخالفت من  
دیگر این که این لایحه که این  
لایحه که پیشنهاد شده است يك لایحه  
جمع و عایدی است و يك مالیاتی است که  
می خواهند بر عایدی فلک زده تحمیل نمایند  
(هر چند که بعضی از آقایان منجر می  
شوند که کلمات فلک زده و فقیر و بدبخت  
و بیچاره گفته شود و لکن چون عقیده آزاد  
است و بنده هم خورم می آید عرض می  
کنم هر کس می خواهد منجر بشود بشود)  
پس اول با بدهر لایحه که از این قبیل به  
مجلس می آید مطابق اصول بودجه که  
بنده این جا مکرر تکرار کرده ام معین  
کنند جمعش چه چیز است و خرجش چه  
چیز؟ چقدر وارد صندوق عمومی می شود  
همین طور در سال گذشته  
حسابداری چقدر بوده و خرجش  
چه بوده؟ حالا آقای وزیر لازم می دانند  
صدیست الی صد سی بر آن اضافه بشود؟  
ماها که وظیفه نمایندگی را بهمه گرفته ام  
بد از اینکه يك ورقه سفید بدهم و کلین  
ما مجبور می شوند يك پولی بدهند باین  
جهت اول باید بدقت به بینیم که این خرج  
لازم است یا لازم نیست؟ آیا لازم است  
صد بیست اضافه کنیم یا همین مقداری که  
حالا می گیرند کافی است و اگر لازم است  
و کسر دارد این صد بیست را رای بدهیم  
بدبختانه هیچ يك از اینها در لایحه قانونی  
نیست و باید در این لایحه متذکر شوند  
که سال گذشته این خرج ما بوده و  
این دخل ما و این مقدار هم کم  
آمده است حالا از برای اینکه دخل و خرج  
تکافو بکند باید فلان قدر اضافه شود یکی  
دیگر از علل مخالفت بنده این است که بنده  
این لایحه را هر چه خواندم ملتفت نشدم چون

این لایحه باید دارای دو جزء باشد یکی  
آنچه که سابق می گرفته اند یکی این که  
حالا با اضافه صدیست یا صد سی میخواهند  
دریافت کنند آقایان بدقت این ورقه را  
ملاحظه بفرمایند فقط نوشته است از اسب  
یا شتر یا قاطر فلانقدر دیگر سابقاً چقدر  
می گرفته اند هیچ معلوم نیست و بنده که  
حالا می خواهم ورقه سفیدم را بدهم (در  
صورتی که ورقه آبی خواهم داد) نمی دانم  
چقدر بر این اهالی بدبخت و بیچاره تحمیل  
شده که بعداگر یکی از موکلین از بنده  
پرسند که آقا امسال چقدر بمن تحمیل کردی؟  
بنده نگویم نمی دانم و بنده نمی دانم امسال  
چقدر بر موکلین خودم تحمیل کرده ام لهذا  
این لایحه را ناقص می دانم و نمی دانم بطور  
رای بدهم  
باین جهت این لایحه بنظر بنده غلط  
است شاید سایر آقایانی بواسطه اطلاعات  
خارجی که دارند درست از جزئیات این  
لایحه مسبوق باشند ولی خود لایحه که  
این طور نیست و بعد از اینکه  
باین ترتیب فرضاً هم این لایحه درست  
بشود آن وقت تازه بنده مخالفم و علتش این  
است که سابقاً مالیات نواقل را هم در این  
مجلس گذرانند و موافقین این انواع  
محسّنات و مزایا را برای آن قائل بودند حالا  
از آقایان انصافاً می خواهم سؤال کنم آیا  
از وقتی که مالیات نواقل وضع شده تا کنون  
مصارقی گذار برایش معین شده رسیده  
است؟ خیر به علاوه کمیسیون وقتی از حق  
العبور کم می کند از اسب و شتر و قاطر کم  
نمی کند از اتومبیل کسر می کند زیرا در  
لایحه وزیر اتومبیل هشت قران نوشته شده  
بود کمیسیون آن را شش قران کرده در  
صورتی که اگر کمیسیون آن را يك تومان  
می کرد بنده بعوض يك ورقه سفید دو ورقه  
می دادم برای اینکه کسی که می خواهد با  
اتومبیل برای تفریح بدهاند بروند ممکن  
است يك تومان هم بدولت بدهم ولی متأسفانه  
کمیسیون از اتومبیل کم کرده است و این  
در دنیا يك اصول مسلمی است اشخاصی که  
بایکدیگر هم عقیده هستند بخیر همدیگر  
کار میکنند و علی الاصول هر يك از کلاه  
طرفدار هر کسی باشند در مجلس سعی می  
کنند مالیات را از گردن او بردارند کمیسیون  
هم که مقداریست یا صد سی را میخواسته  
است اضافه کند درباره الاغ و شتر و اسب و  
قاطر اضافه کرده است ولی مسئله اتومبیل  
که رسیده است هر جا هشت قران بوده است  
شش قران کرده است و هر جا چهار قران  
بوده است سه قران کرده است .  
چه شده است که اتومبیل سواران از  
دادن دو قران مالیات معاف شده اند ولی  
الاغ سوارها و شتر سوارها بایستی اضافه  
بدهند؟

پس علی الاصول بطور فوریست یاد -  
آوری می کنم که با این لایحه مخالفم  
برای اینکه اولاً وزیر فوائد عامه باید  
پیشنهاد کند ثانیاً این لایحه جمع و خرج  
سال گذشته را همراه ندارد تا معلوم شده  
جمع او چقدر خرجش چه میزان و حالا  
چقدر کسر دارند و یا صدیست یا صد سی که  
اضافه شده آن را چیران میکنند یا خیر؟  
ثالثاً در وقتی که اعداد را معین کرده اند  
معلوم نیست عدد اولش چه بوده و حالا  
چقدر تحمیل می شود .  
رابعاً پس از آنکه این مالیات را ما  
وضع کردیم آیا بمصرف واقعی خودش  
میرسد یا شهریه فلان اعیان و شاهزاده و  
خان میشود .  
چون نمی دانم پس از گذشتن این  
مالیات جمع شدن یکشاهی یکشاهی بچه  
مصرف میرسد باید آن راهم معین بفرمایند  
این است دلائل بنده و باین دلائل و  
جهاتی که عرض کردم با این لایحه مخالفم  
و دیگر يك چیزی را هم بنده از فرمایشات  
معاون وزارت پست و تلگراف نفهمیدم .  
فرمودند وزارت پست و تلگراف این  
راه را بموجب تصویب نامه که از هیئت دولت  
صادر شده است ساخته و حالا نمی تواند آن  
را بوزارت فوائد عامه و واگذار کند اگر اینطور  
فرموده باشند يك چیز خیلی تازه است  
معلوم می شود وزارتخانه ها متعلق بیک دولت  
نیست و وزارت پست و تلگراف این راه را  
از مال شخص وزیر یا از مال شخص آقای معاون  
یا از مال شخص آقای مسیوم ولیتر ساخته  
است خیر راهی است مال دولت و وظیفه وزارت  
فوائد عامه است آن وقت هم که وزارت پست  
و تلگراف این راه را ساخته است اگر  
پول داشت خوب بود می داد بوزارت فوائد  
عامه و می گفت تو این راه را بساز تا او هم  
کار خودش را انجام می داد و امورات  
از یکدیگر تجزیه می شد خوب است این  
قسمت را آقای معاون توضیح بفرمایند  
معاون وزارت پست و تلگراف - این  
جمله را حضرت والا اشتباهاً فرمودند بنده  
عرض کردم وزارت فوائد عامه راه را نمی ساخت  
و وجوه این راه هم لازم بود اداره پست  
بالتصویب هیئت دولت این راه را ساخت عایدات اداره  
پست هم از برای راه سازی نیست بلکه برای اصلاح  
امورات پستی است و ممکن است دولت  
تصویب کند که اداره پست اضافه عایدات  
را بصندوق مالیه بدهد و وزارت فوائد عامه  
از آنجا بگیرد و بمصرف راه سازی برساند  
و باج آن را خود اداره پست بگیرد و چون  
در این مملکت وسائل دیگری برای حمل  
و نقل نیست فقط یکانه و وسائل پست است  
راه هم هر چه هست برای حرکت پست است  
بهترین است عایدات را اداره پست دریافت  
نماید و اینکه حضرت والا فرمودند وزارت  
فوائد عامه بمجلس راه پورت بدهند بنده هم  
مخالفتی نکردم و عرض کردم اگر اینطور

است و بایستی راه بتوسط وزارت فوائد  
عامه اداره شود خوب است مخارجی را  
هم اداره پست برای تاسیس راه کرده از  
صندوق دولت بدهند  
فهم الملك مخبر - در جواب فرمایشات  
آقای زنجانی و شاهزاده سلیمان میرزا لازم  
است عرض کنم اولاً در باب اینکه چرا  
این لایحه را وزارت پست و تلگراف  
پیشنهاد کرده است و از طرف وزارت  
فوائد عامه پیشنهاد شده است همانطور که  
آقای معاون توضیح دادند اداره پست این  
راه را بر حسب احتیاجات خودش ساخته  
است بنده از این راه قبل از ساخته شدن و  
در بین ساخته شدن و بعد از ساخته شدن عبور  
کرده ام و دیده ام قبل از ساخته شدن تا  
سرخه حضار ممکن بود یا در شبکه و عرابه  
بروند و از آنجا به بعد راه خیلی خراب  
بود و بدیهی است يك راه عمومی که در  
اطراف طهران است و غالباً از آنجا عبور  
و مرور میشود باین خرابی باشد خیلی خیلی  
بد بود وزارت فوائد عامه هر وقت میخواست  
آن راه را بسازد ناچار بود تقاضای يك  
اعتبار مخصوصی از دولت بکند و دولت هم  
تصویب نمیکرد اداره پست ناچار از عایدات  
خود متدرجاً شروع بساختن این راه نموده  
و با کمال صرفه جوئی آن راه را ساخت و  
حالا هم سرویس پستی آن دایر است و  
گمان میکنم در اصل مسئله در حال مخالفتی  
نیست و راجع با اجرای آن هم ممکن است  
يك ماده در ذیل این قانون بنویسند مگر  
این قانون وزیر فوائد عامه است این يك  
چیزی نیست که هیچ صدمه باین لایحه وارد  
بیاورد يك راهی است ساخته شده و يك  
هواند و عوارضی باید برای او تعیین و تصویب  
شود آنوقت بسته بنظر مجلس است بهر  
وزارتخانه بخواهد رجوع نماید ممکن است  
مقصود جمع آوری عایدات و باقی ماندن این  
راه است و اینکه فرمودند مالیاتی اضافه  
میشود خیر مالیات نیست و از این محل هم  
برای کمک بیودجه دولت نمی خواهند  
چیزی مصرف نمایند  
همین اندازه مراضی خواهیم بود که از  
هوازش اینراه خود اینراه نگاهداشته  
شود و بلکه دنباله آنرا بفیروز کوه و  
مازندران رسانند و همین اندازه هم که دولت  
کمک کرده است و آنرا ساخته است خیلی  
خوب است زیرا راهی را که بنا بود دو روز  
در بین راه بخوابند و حرکت کنند حالا در  
نصف روز میروند اما در تابستان چون  
راههای دیگر نزدیکتر است مسافری از  
آن راهها میروند و باینجهت این راه  
عایداتش کم می شود ولی در زمستان چون آن  
راهها مسدود می شود از اینراه بیشتر عبور  
و مرور می شود و عایدات آنهم زیادتر است  
و رویهمرفته مطابق صورتی که از وزارت  
پست و تلگراف رسیده است عایدات این

راه در سالی که خوب بوده است چهارده هزار تومان بوده و از این مبلغ تقریباً پنج هزار تومان مخارج یک نفر مهندس بلژیکی است و قریب پنج هزار تومان هم مخارج مأمورین و عملیات راه است و قریب چهار پنج هزار تومان هم مخارج تعمیرات آن راه است و در سال اخیر بمناسبت ازدیاد مخارج و بعضی مخارج دیگر خرج راه قدری هم از آن مبلغ اضافه شده است و میزانی را که در ابتدای ساختن این راه دولت برقرار کرده بود از فراری است که عرض میکنم برای کلیه راه از تهران بدموند از اسب و قاطر و شتر با مسافر و بار یکریال بی بار و بدون مسافر ششصد دینار در شکه و همراه و گاری و غیره با مسافر از هر رأس اسب دوریال اتومبیل خالی یک تومان باردار یا با مسافر یا نوزده قران و یک جزئی تفاوتی هم در این پیشنهاد جدید شده است برای اینکه کمیسیون خواست پیشنهاد دولت را علناً تصویب کند بعبارة آخری آن شکلی را که وزارت پست پیشنهاد کرده بود که صد بیست یاصد سی اضافه شود کمیسیون آن ترتیب را نپذیرفت زیرا آن ترتیبی که سابق برقرار بود مصوبه مجلس نبود که امروز اضافه آنرا بتصویب مجلس برسانیم لهذا لازم بود میزان کلیه عوارض و برقراری را بتصویب مجلس برسانیم و برای تعیین مقدار عوارض هم چیزی که لازم بود تعیین شود مخارج راه بود مخارج راه را هم بر آورده کردیم دیدیم این مبلغ مخارج را تأمین میکند چون مخارج این راه در سال از قبیل حقوق مهندس و تعمیر راه و غیره قریب هفده الی هیجده هزار تومان است و دیگر چیزی باقی نمی ماند که بمصارف دیگر برسانیم بعضی از آقایان این مسئله را تشبیه بمالیات نوافل کردند و بنده تصور می کنم این تشبیه مورد نداشته باشد زیرا مالیات نوافل قبل از آنکه بموقع عمل گذاشته شود وضع شد و بعداً اگر قانون سوء استعمال شده است باید آنرا رفع کرد ولی این عوارض چیزی است که قبل از تصویب شدن بموقع عمل گذاشته شده همانطور که گفته شد یکبار خوبی ساخته اند و پلهای محکمی هم در این راه ساخته اند که اتومبیل و غیره بخوبی از آن راه عبور میکنند و البته بعد از آنکه مردم دیدند راه درست شده است این مالیات را از روی میل می دهند یک ایرادی که شاهزاده فرمودند این بود که چرا از حق العبور اتومبیل کسر شده است.

اولاً در لایحه که وزارت پست و تلگراف تقدیم کرده بود عایدات اتومبیل بطور کلی نوشته شده بود ولی کمیسیون آنرا بدو قسمت تجزیه کرد. یکی سواری و دیگری بازی و معلوم است اتومبیل که بار داشته باشد سنگین تر است و بیشتر صدمه بر او وارد می آید و ولی اتومبیل سواری صدمه آن کمتر است و دیگر اینکه فقط لفظ اتومبیل دلیل بر اعیانیت نمی شود و ممکن است اشخاص

فقر هم داشته باشند.

مثلاً یک مکاری عوض پنجاه قاطر یک اتومبیل بخرد و باز کشی کند خود بنده هم یکی از طرفداران فقر هستم ولی نه از این حیث که هر کس اتومبیل سوار است آنرا پائین بکشند و بگویند تو هم مثل من بیاده راه برو یا فلان قدر حق العبور بده بلکه کاری نکنیم که فقرا هم اتومبیل سوار شوند اگر اتومبیل ارزان باشد و گرایه آن ارزان باشد که فقر هم بتواند با اتومبیل به دماوند برود چه عیب دارد؟

این بود که عوارض اتومبیلها را ما دو قسمت کردیم. باری هشت قران و سواری شش قران و این تخفیف برای این بود که عبور و مرور با اتومبیل زیاد بشود بلکه بنده معتقدم که باید تا چند وقت مالیات نوافل اتومبیل را موقوف کنیم تا وسائل حمل و نقل ما منحصر بقاطر و شتر و الاغ نباشد و از اتومبیل هم بتوانیم استفاده کنیم ابتدا در طهران فقط اتومبیل برای سواری و تفنن بود ولی امروز ملاحظه می فرمایند چقدر اتومبیل هست که هر روز اعلان می کند گرایه داده می شود این ربطی با اعیانیت و اشرافیت ندارد وسائل حمل و نقل است شاید بکروزی راه آهن در ایران ساخته شود و در ابتدای امر دوسه نفر اعیان در آن سوار شوند باید تا آخر براه آهن فحش داد؟ چرا که اعیان سوار شده اند اخیر وسائل تسهیل حمل و نقل را باید فراهم نمود تا اینکه همه استفاده کنند در آن لایحه تقدیمه وزارت پست و تلگراف یک فقره عایدات است که گوسفند هم داشت که کمیسیون را خیلی زائد می دانست لذا آنرا حذف کرد ولی باقی چیز هائی بود با مخارج این راه مطابقت می کرد این مقداری است که کمیسیون پیشنهاد کرده است

رئیس - آقای ارباب کیخسرو و (اجازه)

ارباب کیخسرو - با تجربیاتی که بنده در دوره های گذشته نموده ام بر خود حتم کردم که هر مالیاتی بنا شود در این جا وضع شود تا از جمع و خرج آن مسبوق نباشیم رای ندهم راجع به راه فرمودند که باید یک اضافه برای مخارج تصویب شود سال گذشته بنده از این راه عبور کردم خوب تعمیر کرده بودند ولی هیچکدام از اینها دلیل اضافه کردن مالیات نمیشود برای اینکه علت عدم کسر مخارج به اداره کردن است و به اداره کردن نباید سبب شود که مابر مردم تحمیلات زیادی بنمائیم بنده یک چیزی عرض می کنم تا آقایان مستحضر بشوند که برای رفتن و برگشتن از دماوند چقدر مخارج نموده ام وقتی بجای دور رسیدم گفتند باید در اینجا بلیط بگیرد شخصی که بایستی بلیط بدهند خوابیده بود بزحمت زیاد او را بیدار کردم بمن گفت برو چراغ را بیاور

درب یسه بند تا بلیط بدهم بنده بزحمت زیاد چراغ را پیدا کرده بلیط گرفتم در وقت برگشتن هر چه سعی کردم بلیط بگیرم نشد تا اینکه یک نفر قزاق پول دادم که برای من بلیط بگیرد بنا بر این گمان میکنم حرف یک نفر نماینده بقدر حرف یک نفر مأمور مفتش اعتبار داشته باشد در اینجا میگویند پنج هزار تومان یک قلم برای یک نفر مهندس بلژیکی اختصاص داده اند بنده نمیدانم یک راه مختصر در عرض سال چقدر مهندس لازم دارد. راهی است ساخته شده نهایت بعضی اوقات یک تعمیرات جزئی لازم دارد بحمد الله هر یک از وزارتخانه هم که مهندس دارند از وجود آنها استفاده نمیکنند و مهندسين آنجا بیکار می گردند ممکن است بعضی اوقات باو بگویند برو به بینا گراه تعمیرات دارد دستور بده و بیا باقی عملیات را بایستی عملیات ایرانی بکنند بنا بر این این گویه مخارج لازم ثبت و دولت از این راه هم دخل می کند و هیچ اضافه هم نباید تصویب شود بملاوه عرض می کنم این مسئله مربوط بوزارت قوائد عامه است و بوزارت پست و تلگراف دخل ندارد وقتی مجلس میخواهد داخل یک مطلبی بشود اول بایستی تشغیل بدهد که مسئله مربوط به کدام وزارتخانه است این اساس مسئله است اگر معلوم شد که مسئله راجع بوزارت پست و تلگراف است بایستی در زمینه این پیشنهاد داخل مذاکره شد و اگر مربوط بوزارت قوائد عامه است دیگر این مطالب زیادی است و باید وزارت قوائد عامه نظریات خودش را بگوید و آنوقت هم همانطور که آقای مخبر بیان فرمودند صورت جمع و خرج آن حساب را بدهند تا چاپ شود و بین نمایندگان توزیع نمایند تا بتوانیم در زمینه آن تصمیمی اتخاذ کنیم

#### معاون وزارت پست و تلگراف

راجع به مهندس یک اشتباهی شده است وزارت پست و تلگراف برای این کار مهندس مخصوص استخدام نموده و حقوقی نمیدهند بلکه مهندسی از طرف وزارت قوائد عامه کترات شده و لکن چون در آنجا کاری نداشت وزارت پست و تلگراف یک کار جزئی پیدا نموده و از وجود او استفاده کرده است اما راجع به زیادی عوارض اشاره شده بنده عرض می کنم، از طهران تا قم بیست و چهار فرسخ است راه آن هم از دماوند بدتر است در راه دماوند دوازده فرسخ است از اینجا تا دماوند برای یک کالسکه و چهار اسب دوازده قران و خرده تعیین کرده ام در حالتیکه برای یک کالسکه یا گاری از این خاناقم ملاحظه به فرمایند چقدر می گیرند

رئیس - در کلیات مذاکرات کافی است یا خیر؟

حاج میرزا عبدالوهاب - چون بنده توضیحات و اطلاعاتی داشتم و میخواستم

عرض کنم تا نوبت به بنده برسد مذاکرات را کافی نمیدانم

رئیس - آقای کازرانی موافقت؟  
آقا میرزا علی کازرانی - خیر

مخالفم  
رئیس - آقای آقامیرزا ابراهیم قمی بطور؟

آقامیرزا ابراهیم قمی - بنده هم مخالفم

رئیس - آقای سدیدالملک (اجازه)

سدیدالملک - یک مقداری از عرایض بنده توسط آقایان گفته شد بنده هم عرض می کنم دخالت وزارت پست و تلگراف در کار کم کم سایر وزارتخانه ها را و دارم بکنم که در کار یکدیگر مداخله نمایند مثلاً اگر وزارت قوائد عامه یک لایحه برای کشیدن سیم تلگراف بدموند بمجلس تقدیم نموده آیا مامی توانیم در آن لایحه مذاکره نمائیم؟ البته نمی توانیم تا لایحه از مجرای رسمی خودش نباید بایستی مورد بحث واقع شود و این لایحه بایستی از طرف وزارت قوائد عامه تقدیم شود در آن صورت عرایض دارم که عرض خواهم کرد

رئیس - آقای امداد السلطنه خراسانی

(اجازه)

امداد السلطنه خراسانی - يك

قسمت از عرایض بنده هم توسط آقای سدیدالملک گفته شد

ولی آقای معاون وزارت پست و تلگراف در ضمن فرمایشاتشان اظهار نمودند اگر بنا شود این کار بوزارت قوائد عامه رجوع شود باید آن وزارتخانه مخارجی را که در وزارت پست و تلگراف نموده است مسترد دارد

بنده خیلی تعجب می کنم مگر اداره پست يك اداره مستقلی است و مایداتش متعلق بدولت ایران نیست مگر ایشان این راه را از مازاد عایدات پست ساخته اند؟ بنا بر این دلیل ندارد این راه در تصرف وزارت پست و تلگراف باشد و باید در تحت نظر وزارت قوائد عامه بوده و از مجرای وزارت قوائد عامه هم این لایحه پیشنهاد شود تا بتوان در آن تذکراتی نمود والا بنده حالا مذاکرات را بی موضوع می دانم

مخبر - در این قسمت آقایان زیاد اصرار می کنند لایحه بیکه پیشنهاد شده است دو امضا دارد

يك امضاء وزیر پست و تلگراف و دیگری امضاء رئیس الوزراء لذا لایحه از طرف هیئت دولت پیشنهاد شده و وزارت پست و تلگراف و قوائد عامه و سایر

وزارتخانه ها در این لایحه شرکت دارند حالا اگر آقایان می فرمایند اجرای این مطالب بعهده وزارت فوائد عامه باشد هیچ ضرر ندارد که الان رأی بدهند مجری این قانون وزارت فوائد عامه باشد ولی این موضوع راجع باصل مطلب نیست و نباید این قدر مذاکره شود

رئیس - آقای سردار مفتاح

(اجازه)

**سردار مفتاح -** بنده چون معتقد بتکرار مطلب با تکرار الفاظ نیستم و هرايش بنده بتوسط آقای سلیمان میرزا گفته شد دیگر عرض ندارم و نمی خواهم وقت مجلس را تلف نمایم همینقدر عرض می کنم با اظهارات شاهزاده سلیمان میرزا موافقم

رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی

(اجازه نطق)

**حاج میرزا مرتضی -** بنده بعلاو اعتراضاتی که آقایان فرمودند عرض می کنم از طهران تا دماوند ۱۲ فرسخ است و مخبر محترم فرمودند سابقاً برای مخارج این راه ۱۴ هزار تومان می گرفته اند و حالا بطوریکه در این لایحه نوشته سالی ۱۸ هزار تومان باید گرفته شود ملاحظه فرمایید این چه راهی است که سالی این مبلغ خرج دارد تصور می کنم اگر راه آهن می ساختند هر فرسخ هزار و هشتصد تومان در سال خرج تعمیر داشت

**آقای سید یعقوب -** بطور می شود راه

آهن اینقدر خرج داشته باشد

**حاج میرزا مرتضی -** بنده مخارج تعمیرش را عرض کردم فرسخی هزار و - ششصد تومان بیشتر نیست نه کشیدن واحداث راه آهن را برای يك راه شوسه فرسخی نباید سالی ۱۸ هزار تومان خرج نمود و سالی ۵ هزار تومان بیک نفر مهندس داد آنهم با آن ترتیبی که آقای ارباب کیخسرو فرمودند که مأمور راه در پشه بند خودش خوابیده باشد با این ترتیب يك حقوق زیادی برعهده تحمیل بکند و بآنها بدهند. حقیقتاً فرمایشاتی را که آقای رفعت الدوله آن روز راجع براه کرمانشاه فرمودند حجت آوراست بهر حال دولت يك حسابی برای این راه معین نماید که مخارج و عایدی این راه چه چیز است و مطابق آن از مردم پول بگیرند

رئیس - آقای تدین

(اجازه)

**قدین -** مخالفت بنده با این لایحه از حیث نقایصی است که بنظر بنده میرسد و پیش بینی نشده است ولی با اصل لایحه بنده موافقم علی که آقایان مخالفین برای مخالفت با این لایحه ذکر کرده اند چند چیز بود که بنده بطور مختصر جواب عرض می کنم بموارد مطلب می شوم یکی از بیانات

آقایان اظهار وحشت از بدی مخارج و حیف و میل بود که فرمودند ما نباید تصویب کنیم پولی بفقرا تحمیل شود و بطور شهریه بعمرو زید تقسیم شود اگر بنا باشد ما این ایراد را در این جا وارد بدانیم پس نباید هیچ قانونی وضع نماییم بعلاوه مجلس دو وظیفه مهم و بزرگ دارد یکی وضع قوانین و دیگری نظارت در اجرای قوانین است و مجلس باید از حق نظارت خود در اجرائیات کاملاً استفاده نموده و هر موقعی دید قوانین دارد از محور اصلی خودش منحرف می شود و سوء جریان پیدا می کند از وزیر سؤال واستبضاح نماید بنابراین با بودن مجلس تصور می کنم وحشت از حیف و میل شدن عایدات موافق دلیل و برهان نباشد دلیل دوم مخالفت آقایان تحمیل بر فقر است بنده این مسئله را خیلی شبیه بقضیه طاحونه ها میدانم که در مجلس مطرح شد در آنجا هم گفته شد که این مالیات است در صورتی که وضع اسم مالیات بر آن مطلب صحیح نبود يك حق بود که بایستی از اشخاصی که می خواهند از آب خاص و ملك خاص دولت استفاده نمایند گرفته شود این هم مالیات نیست راهی برای سهولت آمدورفت عابرین ساخته می شود و چون برای ساختن این راه مخارج اولیه بایستی بشود و بدهم برای حفاظت و تعمیرات يك مقداری پول لازم است باید دید که این پول را که باید بدهد؟ البته اشخاصی که از این راه عبور می کنند و استفاده می نمایند باید این پول را بدهند ولی البته باید باندازه گرفته شود که تحمیل فوق العاده بر عابرین نباشد و موجب ظلم نگردد شاهزاده سلیمان میرزا در ضمن بیانات خودشان فرمودند که من عقیده ام آزاد است و می گویم بدبخت مردم بیچاره ملت ولی بعضیها از گفتن این کلمات بدشان می آید ولی گویا بنده يك وقتی در اینجا اشاره کردم که با این کلمات مخالفم الان هم می گوید که بنده کاملاً با گفتن این کلمات مخالفم برای این که گفتن این کلمات حس ملت و خون ملت را منجمد می کند و ملت را بسوت نوحه گری سوق میدهد و بنده بگفتن این کلمات معتقد نیستم برای اینکه این کلمات مورد واقعیت ندارد بنده معتقدم که ملت را باید تشجیع کرد و خون مصیبت و جمعیت را در بدن ملت تزریق کرده که ملت دشمنان خودش را بنوحه گری وادار کند نه اینکه خودش خوی نوحه گری و ناله سرائی پیدا کند بعلاوه گفتن کلمه بدبخت بیچاره مظلوم دلیل بر واقعبات نیست و چون بنده تصور کردم این اعتراض را بر بنده کردند لذا مطلب را تکرار کردم دیگر از چیزهایی که گفته می شود سوء اداره است کی باید این سوء اداره را بر طرف

کند بنده تصدیق می کنم در ادارات ماسوه اداره است ولی آیا بعضی دیدن این سخن نقایص باید از اداره صرف نظر البته باید حتی الامکان کوشش نمود و نواقص را اصلاح کرد و ازین برد دیگر از ایرادات این بود که این مطلب مربوط بوزارتخانه دیگری است بلی برای اینکه امور از هم تفکیک شده و وظایف وزارتخانه های مملکت مجزی باشد باید هر وزارت خانه برای خودش ترتیب مشخصی داشته باشد بلی جبران این مسئله با مجلس است و در آخر آن نوشته می شود مجری آن وزارت فوائد عامه است بنابراین بطور اجمال عرض می کنم برای اینکه این قانون در موقع اجراء دچار اشکالاتی نشود لازم است چند چیز در این قانون اضافه شود اولاً برای کسانی که بخواهند مخالف این قانون رفتار نمایند یعنی بخواهند بطور قاچاق از این راه عبور نمایند باید مجازاتی ذکر شود که فردا نگویند چون در قانون مجازات ذکر نشده تولید اشکالاتی نموده است

دوم - لازم است يك استثنائاتی در اینجا ذکر شده و این استثنائات همان است هم همان است که در همه جا معمول است مثلاً اگر بخواهند صاحب منصبان نظامی از این راه عبور کنند تکلیف آنها چیست؟ آیا آنها هم داخل در این قانون هستند یا معافند؟ این مسئله در اینجا تصریح نشده است و باید معلوم شود که مأمورین پلیس و امنیه و غلامهای اداره تلگراف که مأمور تعمیرسیم تلگراف هستند یا بحکومت دماوند و معاون او بطور کلی از دادن آن حق معاف هستند مأمورین طرق شوسه و ملزمین رکاب همایونی یا نایب السلطنه که می خواهند از این راه بروند معلوم شود تکلیفشان چیست؟ اینها را باید ابتدا در نظر بگیریم که بعد دچار زحمت نشویم

ثالثاً - باید دهاتی هائی که می خواهند ازین راه عبور کنند یا از اینطرف جاده آن طرف بروند و یا اینکه از يك فرسخ به بعد از جاده خارج شوند از این حق معاف باشند و يك تحمیلی بآنها نشود مگر در صورتیکه مستقیماً از نقاطی که معین شده است بخواهند بمقصد حرکت نمایند

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله

مخالفید

**حاج شیخ اسدالله -** بنده موافقم بمذاك يك مخالف نظریات خود را عرض خواهم کرد

رئیس - آقای رفعت الدوله

(اجازه)

**رفعت الدوله -** بنده یکی از اعضاء کمیسیون فوائد عامه هستم در کمیسیون هم این مذاکرات ابتدا با معاون پست و تلگراف شد و این يك چیزی نیست که موضوع داشته باشد بنده عرض می کنم

آیا باید دولت از يك راهی که پنجاه هزار تومان خرج آن می کند هیچ منافعی نبرد و بهمان مخارج آن فزائت نمایند؟ بنده بکلی مخالف این مطلب شد و عقیده ام این است که باید از این راه منافع برد بر عایدات مملکت اضافه شود آقایان مخالفین گمان نمی کنم این راه را ندیده اند بمذاك اينكه اين راه شوسه شده است اختصاصی که از این جا میروند خیلی از این راه رضایت دارند زیرا از زحمت دوازده فرسخ راه راه بر ستنك و برف و رودخانه که بایستی مازندران برود خلاصی می شود و بعلاوه باید در آن راه دوشب بخوابد ولی در این راه فقط يك شب می خوابد بنابراین اگر همان خرج يك شب مسافرا حساب کنید می بیند دو برابر حق العبور می شود اعتراضات آقای تدین يك چیزهایی بود که بایستی اصلاح شود ولی نمی شود گفت فقیر و بیچاره حق العبور ندهد زیرا مالیات دولت را کسی باید بدهد؟ البته يك قسمت حق العبور بر آنها تعلق می گردد و اگر راه بد باشد و ساخته نشده باشد ده مقابل برای آن ها ضرر دارد اگر برای جزئیات مسئله آقایان اعتراض دارند پیشنهاد کنند برگردد بکمیسیون تا اصلاح شود و اگر بخواهند اصلاً موضوع را مرتفع کنند مختارند

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله

(اجازه)

**حاج شیخ اسدالله -** از مذاکراتی که در این زمینه می شود موافق و مخالف درست معلوم نیست بنده نسبت باین لایحه موافق بودم و فرمایشات آقای تدین هم بر حسب موافقت بود فقط يك اظهاراتی که کردند و دال بر مخالفت بود در زمینه اصلاح بود این بود که عرض کردم بمذاك يك مخالف اظهار عقیده خواهم کرد.

رئیس - حال موافقت یا خیر؟

**حاج شیخ اسدالله -** بلی - موافقم

رئیس - اول که پرسیدم فرموده مخالفم

**حاج شیخ اسدالله -** خیر موافقم حالا اگر میفرمایید بمذاك يك مخالف عرض کنم و اگر بفرمایند حالا مطالب خود را اظهار نمایم؟

رئیس - خیر منتظر باشید بمذاك آقای دست غیب بفرمایند آقای دست غیب

(اجازه)

**حاج سید باقر دست غیب -** اول استدعا می کنم آقایان درست بهرایض بنده توجه بفرمایند و موافقین خیال نکنند چون موافقین رأی نمیدهند حتماً باید مخالفت نمایند و عقیده آنها را رد می کنند بنابراین يك قدری دقت فرمایند اگر هرايش بنده بنظرشان بد آمد رد کنند

استدعای دوم بنده این است که يك نظری باخلاق و عادات روحیه افراد معاصر خودمان بیندازیم و بعد هم نظری باطفا ل تربیت شده بعد از خودمان بکنیم قانونی که در مملکت وضع می شود راجع به عادیات يك مملکتی است

بنده این که عرض کردم مخالفم از دو نقطه نظر بود با اینکه بنده عقیده ام این است اکثر آقایان از ظلمی که از اجرای این قانون می شود آگاه هستند معذرتا باین قانون رای میدهند بنده فرمایشات آقای سلیمان میرزا را نایب می کنم فقرا و ضعیفا بیچاره ها هستند زیرا ممکن است حق العبور کالسکه و درشکه را تخفیف بدهند لکن بیچاره شخصی که يك بار خار دارد هیچ تخفیف نمیدهند.

آقای تدین فرمودند عوض این که ملت را تشجیع کنیم چرا لفظ بیچاره میگوئیم بنده عرض می کنم که ما می گوئیم ملت بیچاره احقاق حق خود بکن و این که می گوئیم بیچاره نه این است که بیچاره نداری بلکه بیچارگی تودست خودت باید ببینی کی تورا بیچاره کرده است یعنی يك عده اشخاصی که خون ترا در شیشه کرده اند تورا بیچاره کرده اند پس معنی لفظ بیچاره این است بنابراین وقتی می خواهیم قانون وضع کنیم باید دقت کنیم که ظلم بر بیچاره ها وارد نشود بنده آنچه در زمان خودم دیده ام این قوانین که در این دوسه دوره از مجلس گذشته است باین که اصل قانون بدنبوده است معذرتا اجرا نشده است و یا اگر اجرا شده است نسبت بقرا اجرا شده اما راجع بنظارت مجلس راست است مجلس ناظر است ولی خیلی معذرت می خواهم که این عبارت را عرض می کنم.

مجلس باین مسائل اهمیت نمی دهد نظیرش این است که قانون مالیات نواقل را مجلس وضع کرد ولی مدت یکسال است از افتتاح مجلس گذشته و بدبختانه هنوز سؤال نشده است نواقل در تحت اداره کی است خرجش را کی باید بدهد؟ آیا در تصرف بلدی است یا در تحت اداره مالیه در موقعی هم که آقای مخبر السلطنه والی فارس بودند عرض کردیم قانون اینطور می گوید که باید نواقل در تحت اداره بلدی باشد مجلس قانون نواقل را وضع کرد يك الاغ یا يك آدمی که يك بار خیار از زرغان وارد نمود می گویند مالیات نواقل بده بعد از این که مالیات میدهد دو مرتبه وقتی هم بر میگردد باز از او ادعای مالیات نواقل می کنند؟ اغلب آقایان شاید درست احاطه بوضعیات مملکت خودشان ندارند مثلاً شیراز می نویسد پل خان زرغان تعمیر لازم دارد. ای وای من دیروز از آن جا آمدم پل زرغان چه تعمیری لازم دارد؟

بعلاوه کسی این پیشنهاد را می کند؟ آنوقت آقایان هم که اینجا تشریف دارند تصور می کنند حقیقه تعمیر می خواهد از این مطالب بگذریم عادیات مملکتان این است التحیر بالله العیاذ بالله نمیخواهم عرض کنم که اعضای ادارات ما تماماً بد هستند بلکه بطور نزاکت عرض می کنم که چون عادیات مملکت ما طوری است که ممکن است قانون را هم سوء استعمال و سوء استفاده کند از این نقطه نظر است که باید قانون گذارها يك نظری هم بحال روحیه عادیات مملکت خودشان بکنند و قانون را وضع کنند برای اینکه ما می بینیم قانون می نویسند که از آن قانون استفاده شود آنوقت ظلم به يك بیچاره بدبختی میشود. راه دماوند هم مثل راه قم که همه آمده ایم و دیده ایم چه مری است یکمده پشت میز نشسته و هر چه از مردم می گیرند به صرف راه نمرسانند و خرج خودشان میکنند و راه همینطور خراب مانده درحالتی که برای اعیان و اشراف خرابی راه بیشتر ضرر دارد آخر آقایان بولی که از مردم برای خرج راه گرفته میشود کجا است چه میش کجا است؟ خرجش کجا است؟ پس ما می بینیم این قانون مناسب با حال و روحیه و اخلاق ما نیست و می بینیم ظلم بر بیچاره ها می شود باین جهت بنده مخالف با این قانون هستم باید معلوم شود برای چه دولت این پول را می گیرد آیا می خواهد از این راه منافعی ببرد خیر این اشتباه است و این پول ربطی بدولت ندارد و باید مخارج تسطیح و تسهیل راه بشود و ممکن است از دولت خواهش کنیم و بگوئیم آقای دولت استقاده نکن برای اینکه قانونی که ما وضع می کنیم برای تسهیل راه است و همانطور که شاهزاده سلیمان میرزا و سایرین فرموده اند کسی مخالف باراه شوسه و راه امن نیست ولی کلام در این است این قانونی که برای راه شوسه وضع می کنند برای اینست که مسافر بطور سهل و آسان مسافرت کند بلکه بکفودی بهتر و زیباتر می شود ادا کرد و گفت راه را می سازند که این الاغ سوار بیچاره یا يك کسی که يك بار خیار دارد بطور آسانی از این راه عبور کند ولی بر عکس می بینیم اینطور نیست و بنده قطع دارم و از طرف آن مظلومها و آن بیچاره ها قسم هم می خورم و از قول آنها میگویم ما پول نمی دهیم و تسهیل هم نمی خواهیم برایمان درست کنید چه دیدم هاجت گر کم بودی پول را می گیری و راه را هم برایم درست نمی کنی چرا اینطور عرض می کنم؟ برای اینکه حس بالاتر از علم و دانائی است حس در مرحله اول هست و علم در مرحله دوم ما می بینیم حس مخالف با این فضا است آنوقت بیایم علما بگوئیم اداره راه دست است بلی وزارت مالیه بسیار خوب است البته باید رئیس - محاسبات هم داشته باشد رئیس صندوق هم داشته باشد اما وقتی می بینیم حس برخلاف

اینها است نباید قانون وضع کنیم پس این هم يك راه مخالفت بنده بعضی عرایض دیگری هم یاد داشت کرده ام می ترسم عرض کنم وقت مجلس تلف شود و ذهن بعضی هم برود که خارج از موضوع است بهمین جت عرض نمی کنم اگر چه مهاجر در مجلس نیست ولی چون من عادت کرده ام اینطور حرف می زنم استدعا بکنم قطع از نظر از مهاجر و جدل آقایان درست توجه بفرمایند و مراعات حال فقرا را بکنند برای اینکه این اطلاق قانون گذاری است یعنی مجلس شورای ملی است و نماینده مجلس نماینده فقرا است پس باید در هر قانونی که میخواهند وضع کنند بیشتر نظر تان با آن اشخاص کم مایه و کم ثروت اشخاص بی پول و اشخاص که مکتشان اقتضا ندارد و متوجه باشند این بود عرایض بنده و دیگر عرضی ندارم رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

### حاج شیخ اسدالله - بنده حقیقه

از روی واقع خیلی متأسفم و باین وضعیات و باین مذاکرات می بینم بعد از این هیچ مطالبی و هیچ ماده قانونی از این مجلس نخواهد گذشت تمامش را با الفاظ و عبارات و بیانات بگذرانم حالا نسبت به بعضی از آقایان نمیدهم اساساً عرض می کنم شاید بعضی در اطراف هوام قریبی زود ما گوزی و این صحبتها قدم میزنیم و هر کدام میخواهیم بالادست هم دیگر را بگیریم

رئیس - بنابود داخل این فضا یا نشوید

### حاج شیخ اسدالله - چه کنم با

این حرفهایی که زده میشه خدامی دانده هیچ میل ندارم داخل در میدان مبارزه و مذاکره بشوم و میخواهم حتی الامکان از این مقوله صحبت نکنم ولی می بینم مامی آیم در مجلس می نشینم که قانون وضع کنیم آنوقت مطالبی می گوئیم که هیچ مربوط به قضیه نیست برای اصلاح راه خوسه و حق العبوری که در تمام دنیا معمول است می گوئیم ای فقرای ضعیفای بیچاره ها ای خرسوارها !!! اگر مخالف هستید پیشنهاد کنید آنها هیچ ندهند راه هم خراب بشود این صحبتها لازم نیست انسان واقع حیرت می کند عرض کردم خدا می داند می خواهم وارد این مطالب بشوم ولی بعضی اوقات نمی دانم جنون است مرض است ...

### سلیمان میرزا - صحیح است

### حاج شیخ اسدالله - چه چیز است

که مرا باین مذاکرات می کشد در اینجا هر وقت صحبت می شود می گوئیم ای بیچاره ای زارع ای فقیر ای ضعیف می گریه میکنم.

ولی در چهار روز قبل که بنده از وضعیات ولایات خودمان و ملایر و بیچاره مردمی که گرفتار تهاجم یکدسته اشراف

بودند عرض کردم ببینید انصاف بدهید و وارد بشوید در مرحله حقیقت ما که می صحبت می کنیم می گوئیم بیچاره ناوه کش و در اطراف عمله و زارع حرف میزنیم این ناوه کش بیچاره را که ما برایش غمخواری می کنیم هفت هشت منزل راه را با کمال افتخار پیاده قدم می زنند و این را طی می کند و می آید بطهران و در این جا روزی ه فران شش فران پول میگیرد و با کمال قوت و قدرت از سی چهل پله نردبان بالا میرود و در میان آفتاب دلخوش است و هیچ اظهار کسالت هم نمی کند برای چه؟

برای اینکه چهارشاهی پس انداز کند و برود با اهل و عیال خودش راحت باشد و باین خیال دلخوش است بنده که در اینجا شرح می دهم اطفال این بیچاره ها در چنگال الوار هستند استهزا می کنند

محمد هاشم میرزا - کسی استهزاء نکرد.

### حاج شیخ اسدالله - آنوقت در

موقع مذاکره می می گوئیم ای بیچاره فقیر ای بیچاره زارع بیچاره خر سوار باید در موقع عبور حق العبور ندهند آقا اگر بد است پیشنهاد کنید ندهند مطلب خیلی ساده است.

گمان نمی کنم هیچیک از نمایندگان منکر این اصل باشند که بهترین وسیله برای زندگانی و سعادت بشر طرق و شوارع است و سهل العبور بودن راهها وسایل آسایش و زندگانی بشر را فراهم می کند البته اگر راه آهن بشود بهتر است و اگر نشد راه شوسه باشد که مردم بتوانند سهولت عبور و مرور کنند و از زاق را بهمدیگر رسانند.

دولت پیشنهاد می کند برای این که دوازده فرسخ یا ده فرسخ بین طهران و دماوند همیشه شوسه و صحیح باشد يك حق العبوری گرفته شود در صورتی که تمام اهل شهر هم محتاج باین راه هستند بلکه لازم است این راه بسازند و آن هم ممتد شود و شاید انشاء الله بمدها هم آهن کشیده شود آنوقت می گویند مخارج اولیه اش را هم دولت داده نباید از کسی بگیرد بسیار خوب آقا حق العبور هم بگیرد آیا برای نگاهداری این راه دولت باید يك فکری بکند که این راه باقی باشد یا اینکه باید خراب بشود و برود بی کارش اگر باید این راه بماند و خراب نشود و آقایان غیر از این محل دیگری دارند که بمصرف تعمیر آن برسند نشان بدهند و اگر نیست پس باید حق العبوری برای عابرین قرار گذاشت و چون اصل این حق العبور از مجلس شورای ملی نگذشته و در زمان قنوت معین شده البته اصل آن

راهم باید مجلس تصویب کند حالا بصورت جزء تفرقه که وارد می شود اگر خواستند شفت و فقیر نوازی بکنند یا بقول آقای تدین تشجیع بکنند و شجاعت بخرج بدهند بگویند فقرا هیچ ندهند ما هم می گوئیم ندهند و از اتومبیل هم که حضرت والا می فرمایند چرا هشت قران بود و کمبسیون شش قران کرده است و گریه هم می کنند

**سلیمان میرزا** - بنده گریه نمیکنم گریه کار شما است و برای خودتان مثل بزیید که گریه می کنید.

**حاج شیخ اسدالله** - بگویند شش قران بگیرند و پنج تومان بگیرند ولی در اصلش نباید مخالفت کنند هنوز گواره صورت جزء تعرفه نشده ایم که مخالفت می کنند چرا اتومبیل شش قران حق العبور بدهد چه ضرر دارد پیشنهاد کند پنج تومان بگیرند بنده هم موافقم بعضی از آقایان می فرمایند که سوء استفاده می شود مثل قانون نوافل که وضع کردیم و مالیاتش را می گیرند و بمصرف خودش نمی رسانند آیا این تقصیر قانون است ؟ تقصیر شما و بنده است که جلو گیری نمی کنیم ما باید بگوئیم نباید وجه بلدی بمصرف دیگر برسد پس این تقصیر ما است نه تقصیر قانون و قانون گذار.

قانون گذار قانون را درست وضع کرده می فرمایند در موقع شاید خوب بموقع اجرا بگذارند.

اگر این اصل را در نظر میگیرید بفراش یکی از رفقای من خوب است اصلا تفنگ و توپ هم در دنیا ساخته نشود آیا نباید ساخت ؟ این کندی شود تفنگ و توپ قوه دفاعیه است و باید باشد این است که عرض می کنم اگر اجرای قانون بد شد تقصیر با قانون نیست با مجری او است باید جلو گیری از سوء جریان کرد

ولی در موقع تصویب تعرفه اگر کمبسیون تعدیل نکرده است نمایندگان پیشنهاد کنند تا تعدیل بشود اگر میفرمائید از الاغ چیزی گرفته نشود و از ضعیف چیزی گرفته نشود چنانچه عقیده بنده هم همین است باید پیشنهاد کرد که از آنها گرفته نشود.

ولی نباید کاری کرد که این راهی را که دولت ساخته است همینطور بماند و خراب بشود بلکه انشاء الله عایدات این راه زیاد بشود و مجلس شورای ملی رای بدهند زیادی عایدات هم بهیج مصرف نرسد و خرج همین راه بشود و توسعه پیدا کند تا باز نذران ملاحظه کنید ببینید اگر حقیقتاً این راه تا ماز نذران ساخته شود برای طهران نافع است و امیدوارم در تحت تاثیر افکار منوره آقایان نمایندگان علاوه بر راه شوسه راه آهن کشیده شود این است عقیده بنده

**رئیس** - مذاکرات کافی است (گفتند کافی است)

**رئیس** - چند فقره پیشنهاد در سید است قرائت می شود

(سه فقره پیشنهاد از طرف آقای نظام الدوله و آقای ارباب کیخسرو و آقای مدرس بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم مذاکره در این باب مسکوت عنه بماند تا از طرف وزارت فوائد عامه پیشنهاد شود.

**نظام الدوله**

بنده پیشنهاد می کنم لایحه وضع مالیات راه دماوند را که وزارت پست و تلگراف پیشنهاد کرده است مبدل شود بپیشنهاد جدیدی از وزارت فوائد عامه تا در آن موضوع مذاکرات بعمل ارباب کیخسرو

پیشنهاد میکنم لایحه برگردد بتوسط وزارت فوائد عامه با مطالعات و تفصیل عایدات و مخارج سالیانه مدت گذشته پیشنهاد مجلس شود

**رئیس** - آقای نظام الدوله (اجازه)

**نظام الدوله** - بنده چون مقصود و منظورم موافق بمفاد همان پیشنهادی است که آقای مدرس فرموده اند لذا بنده پیشنهاد خود را بپیشنهاد آقای مدرس مبدل میکنم چون اغلب نمایندگان محترم هم مقصود و منظور شان این است که از طرف وزارت فوائد عامه پیشنهاد شود خوب است باین پیشنهاد رای بدهند که پیش از این وقت مجلس را تضییع نکنیم

**مخبر** - بنده تعجب می کنم از این پیشنهاد آقایان يك لایحه هیئت دوات وقت بمجلس شورای ملی پیشنهاد کرده است امضای رئیس الوزراء را هم دارد امضای رئیس الوزراء در حقیقت متضمن مسئولیت مشترک تمام وزراء است بملاوه وزارت فوائد عامه هم چیز دیگری پیشنهاد نمی کنند فرض بفرمائید در همین لایحه بجای وزارت پست و تلگراف وزارت فوائد عامه نوشته شده است مهندس هم که در سر این راه کار کرده است مهندس وزارت فوائد عامه است این مسئله را که آقایان می فرمایند فرع بر این است که در آخرا این لایحه یکماده اضافه شود که وزارت فوائد عامه مأمور اجرای این لایحه است بنابراین بنده عقیده ام این است که آقایان يك قدمی بیشتر معتقد باشند که کارها زودتر بگذرد پس بهتر این است بمذاکرات و حرفهای بی مورد کارا عقب بیندازیم وقت خودمان را نگذاریم کار را از مجلس بگذرانیم آنوقت هر کس می خواهد اجرا کند اجرا کند میخواست وزارت فوائد عامه اجرا کند و اجرا کند دیگر اینکه آقای ارباب کیخسرو در ضمن مخالفت خود

بیاناتی فرمودند بالاخره چیزی که بنده فهمیدم این بود که راهدار شب خوابیده بوده است آخر یکراهدار بیچاره که از صبح تا پنج شش ساعت از شب گذشته بامکاری و هابری و غیره سرو کله زده اگر نمرده لابد آنوقت مدهوش بوده بندوبستی هم نداشته برای این فرمودید تایست پشه بنده هم رفتاید بدبخت دیگر حال نداشته است که بلند شده تقصیری باو وارد نیست پس خوب است این ارادات را مرتفع کنید اما فرمایشاتی که آقای تدین فرمودند جزء مواد است شاید کمبسیون هم مخالف نباشد ولی اینجافرع داخل شدن در مواد است پس برای اینکه کار عقب نرفت خوب است آقایان موافقت بفرمایند و رای بدهند که داخل در شور مواد بشویم و اگر پیشنهاداتی دارند بفرمایند تا مراجعه شود بکمبسیون و برای شور دوم اصلاح شود

**رئیس** - آقای مدرس (اجازه)

**مدرس** - آقای فهم الملك جمع اصرار دارند که در این لایحه امروز مذاکره شده در صورتیکه این لایحه خیلی نواقص دارد و سابقه اش را هم هیچ ننوشته اند حملی و خرج آن هیچ نوشته نشده و بر سبیل اجمال و سر بسته بمجلس آورده اند آنوقت يك فرمایشاتی می فرمایند که حقیقتاً از مسئله دور است و حال آنکه از اعم امور ملکیتی تعمیر طرق و شوارع است و ما باید بیک قسمت همه وقت خودمان را صرف اینکار و قشون بکنیم و نواقصی که دارد مرتفع کنیم شما هم خوب است این اندازه جدیت نداشته باشید که باین زودی بگذرد پس بهتر این است که این لایحه بر گردد بوزارت فوائد عامه و وزیر فوائد عامه بیایند بکمبسیون و آقایان هم که نظریاتی دارند تشریف ببرند و این کار خوب را ضایع نکنند مثلاً شما نوشته اید دو فرسخ بدو فرسخ بول بگیرند؟ آقا کجای دنیا معمول است که دو فرسخ بدو فرسخ بول بگیرد ؟ این است که بنده بانظریات آقای نظام الدوله و سایرین پیشنهاد کرده ام این لایحه بر گردد بوزارت فوائد عامه و مخارج سابقه و صورت حق العبوری که تابع آن در یافت می شود و صورت خرجش را بیاورند به بینم آنوقت رای بدهیم اگر این راه بنده هزار تومان خرجش شده چرا باید در سال چهارده هزار تومان گرفت آنوقت هم سالی شش هزار تومان آن را بیک مهندس بدهم در صورتی که دوازده فرسخ بیشتر نیست و سالی دوروز یا چهار روز مهندس بیشتر کار ندارد بنده می بینم که برای اینکار پنج اداره تشکیل داده اند یکی طهران یکی دماوند یکی جاجرود یکی بومهن که از هر کدام از آنها ما بخواهد بیاید يك تعرفه بگیرد اینطور نمی شود فقط يك اداره می خواهد آنهم سر پل جاجرود که هر کس می خواهد برود بیاید در آنجا تعرفه بگیرد که هم اسباب سهولت

عابرین باشد و هم عایدات داشته باشد باین واسطه بنده پیشنهاد کردم که صورت جمع و خرج آن بیاید تا ما بصیرت پیدا کنیم و از روی بصیرت اینکار را انجام دهیم

**فهم الملك** - مخبر کمبسیون - فرمایشاتی که آقای مدرس فرمودند که این لایحه بر گردد بهیئت دولت بنده عرض می کنم هر وقت دیگر که این لایحه مجدداً بمجلس بیاید بین مذاکرات عیناً خواهد شد آمین در مجلس در شور اول برای همین است که این مذاکرات گشته شود و نظریات آقایان نمایندگان معلوم شود برای اینکه در شور دوم نواقص آن در کمبسیون اصلاح شود و بمجلس بیاید و اینکه فرمودند برای این راه چرا پنج محل و اداره قرارداد اند در صورتیکه این طور نیست در طهران و در دماوند برای این کار اداره تاسیس نشده و فقط در سه نقطه بین راه مامورینی هستند که حق العبور اخذ می کنند این راهم تصدیق می فرمائید که نباید تمام مسافری را مجبور کرد که تمام حق العبور بدهند برای این که بعضی مسافری در بعضی از قسمت های و بین راه مسافرت می کنند و نباید اشخاصی که در این قسمت های کوچک عبور می کنند حق العبور تمام مسافت را بپردازند راجع بصورت های جزء که فرمودید خواسته بشود اگر چه وظیفه مجلس نیست و معمول نیست که صورت جزء و صورت اجزاء بمجلس بیاید ولی ممکن است اگر لازم بدانند بخواهند و ملاحظه فرمائید و اینکه می فرمایند مهندسی سالی يك مرتبه باماهی يك مرتبه بیشتر لازم نیست برود راه را بازدید کند خیر این طور نیست باید مهندس سر پل باشد و الان مهندس سر پل بومهن منزل دارد و برای این که متصل برود دماوند بر می گردد بطهران و راه را رادر تحت نظر می گیرد که خوب ساخته شود و خرابی پیدا نکند و این که آقای حاج میرزا مرتضی فرمودند با هزار و شصت تومان يك فرسخ راه آهن می شود ساخت

**حاج میرزا مرتضی** - عرض کردم با این میاغ می شود يك فرسخ راه آهن را تعمیر نمود

**مخبر کمبسیون** - تعمیرش هم خیلی بیشتر از این می شود بنا بر این اگر آقایان در نظر دارند که این لایحه به گذرد و اصلاح شود راهش این است که عجلالتا شوراوش تمام شود و پیشنهاداتی هم که می خواهند بکنند تا کمبسیون نوافسی را که لازم می بیند ضمیمه کند و برای شور دوم اصلاح شود بمجلس بیاید و رای بدهند

**رئیس** - پیشنهاد آقای مدرس مجدداً قرائت می شود و رای می گیریم

**حاج میرزا علی محمد دولت آبادی**

بنده راجع باین پیشنهاد عرضی دارم

رئیس - کمیسیون هستی؟  
حاج - میرزا علی محمد دولت آبادی - بلی

رئیس - بفرمائید  
حاج میرزا علی محمد دولت آبادی - آقای مدرس فرمودند که يك راه دارد در سر یل جاجرود کفایت می کنند . . .

رئیس - راجع باین مطلب نیست راجع بپیشنهاد باید بفرمائید

حاج میرزا علی محمد دولت آبادی - راجع بپیشنهادات عرض می کنم کمیسیون این دقت هارا کرده است و نمی شود يك راه دارد در یل جاجرود قرار داد و برای این که يك اشخاصی تا دماوند می رود و يك عده تا یل جاجرود یا بومهن می روند و دلیل ندارد اشخاصی که تا یل جاجرود می روند تمام حق العبور را بدهند این که پیشنهاد کرده اند صورت مخارج سابق بکمیسیون نیامده است آن ها هم آمده و کمیسیون در اطراف آن دقت کرده و حالا اگر آقایان نظریاتی نسبت باین لایحه دارند خوب است شور اول را تمام کنند و در شور ثانی مذاکره شود الان دو ساعت وقت مجلس صرف این کار شده حالا عایدات این چهارده هزار تومان نه فرضا نیست هزار تومان باشد این ربطی باین مسئله ندارد دو ساعت وقت مجلس صرف این مطلب شود حالا هم بر گردد مجدداً که آمد بمجلس يك مقدار دیگر اوقات صرف این خواهد شد ممکن است حالا اگر آقایان نظریاتی دارند اظهار کنند اصلاح شود

مدرس - بنده تصدیق دارم ولی عرض می کنم ما چون قانون هائی که وضع کرده ایم همینطور ها سهل انگاری کرده ایم که حالا اسباب زحمت ما شده است مثلاً يك قانونی وضع کردیم برای اینکه در شهرها توافق بگیرند و خرج آن ها بکنند حالا می بینم در وسط بیابان نواقل میگیرند . بهر جهت باز عرض می کنم این وجوهی که از مردم گرفته می شود باید دقت کرد که بنفع خود آنها مصرف شود و حیف و میل نشود بنده عرض کردم خوب است این لایحه فرستاده شود بوزارت فوائد عامه نه اینکه کمیسیون فوائد عامه و بعقیده من اگر بوزارت فوائد عامه برود که در آنجا دقتی بشود بهتر است و اهمیتی هم ندارد سه چهار روز دیگر مجدداً بمجلس بیاید و به آن رای بدهیم

رئیس - پیشنهاد آقای مدرس مجدداً قرائت می شود و به آن رای

می گیریم

مجدد قرائت شد  
رئیس آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند  
اغلب قیام نمودند

رئیس - تصویب شد چون در دستور چیزی نیست جلسه را ختم می کنیم جلسه آتیه روز ه شنبه چهار ساعت قبل از ظهر دستور اولاً تقاضای هزار و پانصد تومان اعتبار برای تهیه اثاثیه محاکم رشت ثانیاً لایحه قرارداد پیش بین المللی منعقد در مادرید

( مجلس سه ربع ساعت قبل از ظهر ختم شد )

جلسه ۱۰۴  
صورت مشروح مجلس  
یوم پنجشنبه ۲۵ جوزا  
۱۳۰۱ مطابق هیجدهم  
شوال ۱۳۴۰

مجلس سه ساعت قبل از ظهر بپریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید  
( صورت مجلس یوم سه شنبه بیست و سه جوزا را آقای منتظر الملک قرائت نمودند )

رئیس - آقای ارباب کیخسرو ( اجازه )

ارباب کیخسرو - در صورت مجلس آنجا که نوشته شده سه فقره پیشنهاد از طرف آقایان مدرس و نظام الدوله و بنده شده ضمناً نوشته شده است که آقای نظام الدوله با پیشنهاد آقای مدرس موافقت کردند .

این مطلب چنین می فهماند که بنده با پیشنهاد آقای مدرس موافقت نکردم . در صورتی که نوبت بنده نرسید چیزی عرض کنم ولی بنده با پیشنهاد آقای مدرس موافق بودم

رئیس - اصلاح میشود آقای کازرانی ( اجازه )

آقای میرزا علی کازرانی - آقای سردار جنگ که در جلسه گذشته حاضر نشدند مریض و بستری بودند و بواسطه این عذر موجه نتوانستند بیایند و در صورت مجلس ایشان را جزء غائبین بی اجازه نوشته اند .

رئیس - چون اطلاع نداده اند این طور نوشته شده . حالا که اطلاع دادید اصلاح میشود آقای سلطان العلماء ( اجازه )

سلطان العلماء - در صورت مجلس اینطور بگوش بنده خورد که نوشته شده . بنده عرض کردم چون این مالیات راجع میشود بفقرا نگیرند

خاطر آقایان را تذکر میدهم که بنده مثل زدم بر آه شوسه عراق و قم که کتیانی در آن راه سرمایه خرج کرده بود و راه را

ساخته بود آن وقت از عراق بقم و بالعکس دهشاهی از فاطر میگرفت و یکقران از شتر و پنجشاهی از الاغ و باین که مخارج کرده بود و راه را ساخته بود مردم بصدا در آمدند ( یعنی نمی توانستند بدهند ) و در صورت مجلس گویا نوشته اند راه شوسه عربستان و حال آنکه بنده راه عراق را عرض کردم و همچنین بنده عرض نکردم که فقرا این مالیات را ندهند

البته هر کسی که از مملکت استفاده می کند و غنیمت می برد و غرامت هم باید بکشد پس باین ترتیب که در صورت مجلس نوشته است عرض نکردم و مقصودم اینطور نبوده عرض کردم که این ترتیب و این روشی که پیشنهاد شده بی اعتدالی است

رئیس - آقای رفعت الدوله . ( اجازه )

رفعت الدوله - بنده عرض کردم که عقیده دارم علاوه بر مخارج تسبیل راه دولت از بابت پنجاه هزار تومانی که خرج کرده است و باید استهلاك کند مبلغی دریافت نماید اینهم عرض بنده بود

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا ( اجازه )

محمد هاشم میرزا - چون در جلسه قبل در جواب اعتراض شاهزاده سلیمان میرزا مذاکرانی بمیان آمد و شاید سوء تفاهمی شده باشد و مقصود بنده تنقید از آقای مستوفی الممالک بود باین جهت لازم دانستم چند کلمه عرض کنم بنده آقای مستوفی الممالک را یکی از پروردگان مشروطیت و از اشخاص گرانمای ملت ایران میدانم برای اینکه در مواقع مهم همه نوع از وجود ایشان استفاده شده و انشاء الله خواهد شد خود بنده بنیات سلطنت ایشان و چندین مرتبه بر رئیس الوزرائی و وزارت ایشان رای داده ام و ایشان همیشه طرف اعتماد مجلس بوده اند منتهی در این دوره که زماندار نبوده اند و نمایندگان مجلس شورای ملی انتخاب شده اند خیلی میل داشتیم که از افکار صائبه و تجربیات چندین ساله ایشان استفاده شود و هر وقت صورت مجلس را میخوانند می بینم نوشته شده آقای مستوفی الممالک غایب بدون اجازه خیلی متأثر میشوم .

این بود که از شاهزاده سلیمان میرزا خواهش کردم که از ایشان استعفا کنند که بیشتر از این توجه بآمدن مجلس داشته باشند تا آن مقاصدی که موکلین ایشان مخصوصاً اهالی تهران از وکالت ایشان در نظر دارند انجام داده شود و مقصود بنده این بود که ایشان بمجلس تشریف بیاورند و از وجود ایشان استفاده کنیم و مقصودم این نبود که از صندوق مجلس چرا حقوق میگیرند .

اما قسمت ثانی که لازم بود عرض کنم همانطور که سیرین مجبور میشوند چند

وقتی اجازه مرخصی بخواهند خوب است از طرف مجلس نسبت بنمایند گاهی که مدتی است تشریف برده اند و نیامده اند و یا آنهایی که اصلاً نیامده اند از قبیل آقای حاج شیخ محمد حسین استرآبادی و حاج آقای شیرازی و بعضی از وکلای فارس که مدتی است انتخاب شده اند و نیامده اند و همچنین وکلای سیستان و ترکمان و بعضی جاهای دیگر توجهی بشود تصور میکنم اگر يك تلگراف متعهد المالی بتمام آنها بشود که زودتر به مرکز حاضر بشوند که اگر بعضی بعضی همارخص میشوند حضور آنها جبران این کشور را بکنند و همچنین تا کید شود در ولایاتی که انتخابات در جریان است و هنوز خاتمه نیافته یا اصلاح شروع نشده زودتر شروع و ختم نمایند . بجهت اینکه یکسال بیشتر از دوره مجلس نمانده است و تا شروع به انتخابات بکنند و ختم نمایند و بپایند شش هفت ماه طول میکشد و وقت گذشته است فلذا تقاضا میکنم اگر مجلس موافقت بکند که يك تلگراف متعهد المالی بآقایانیکه انتخاب شده اند و هنوز نیامده اند بشود که زودتر تشریف بیاورند و همچنین دستور داده شود که انتخاباتی که شروع نشده است تا کید در تسریع آنها بشود .

( گفته شد صحیح است )

رئیس - تمام آقایانیکه اسم بردید تا حال چندین دفعه تلگراف شده است ولی اغلبشان متعذر بپاره معاذیر شده اند و گفته اند که بمدای رفع محظورات خواهند آمد و با وجود این تشریف نیاورده اند . حالاهم که شاهزاده اظهار فرمودند و آقایان هم تصدیق فرمودند و موافقت کردند باز هم بآنها تلگراف و تا کید خواهد شد که تشریف بیاورند .

چهل و چهار فقره لوایح مدت چهار پنج ماه است بکمیسیونها مراجعه شده و هنوز راپورتش بمجلس نیامده است

اسامی عمده آن لوایح خوانده میشود که خاطر شریف آقایان مسبوق باشد و از کمیسیونها خواهش میشود راپورت این لوایح که اغلبشان مهم است بمجلس بفرستند ( اسامی لوایح مزبوره بشرح ذیل خوانده شد )

راجع بکمیسیون قوانین مالیه  
لایحه قانونی راجع بمحاسبه صندوق مرکزی در تاریخ ۱۲ جدی ۱۳۰۰ به کمیسیون ارسال شده

لایحه قانونی راجع بوضع مالیات و تعدیل عمومی ۱۳ جدی ۱۳۰۰

طرح قانونی راجع بتفتیش مالیاتهای مستقیم و الصاق تبرع پیشنهادی آقای ممتد السلطنه ۱۲ دلو ۱۳۰۰ بکمیسیون ارسال شده

لایحه قانونی راجع بتعریف اضافات نرخ پستی ۱۰ حوت ۱۳۰۰

لایحه قانونی تشکیلات کل مالیه  
۲۱ حوت ۱۳۰۰  
لایحه قانونی ممیزی عمومی ۲۷  
حوت ۱۳۰۰  
لایحه قانونی ممیزی املاک بی بیشه  
۱۲ حمل ۱۳۰۱  
راجع بکمیسیون عدلیه  
لایحه قانونی اصول مهاکات جزائی و  
هیئت منصفه ۲۰ قوس ۱۳۰۰  
لایحه قانونی راجع بثبت اسناد و املاک  
۱۳ حوت ۱۳۰۰  
لایحه قانونی راجع بدعاوی مردم  
نسبت بدولت ۱۲ حمل ۱۳۰۱  
لایحه قانونی شرایط خدمت و امتحان  
وزارت عدلیه ۲۱ حمل ۱۳۰۱  
لایحه قانونی راجع بتصفیه امور تجار  
متوقف ۷ نور ۱۳۰۱  
لایحه پروتست بیجک های تجاری  
۱۳ نور ۱۳۰۱  
راجع بکمیسیون متکرات  
طرح قانونی استخدام پیشنهاد آقای  
آقا شیخ ابراهیم زنجانی در ۳۰ قوس  
۱۳۰۰ بکمیسیون ارسال شده  
طرح قانونی بدم اخذ مالیات و عوارض  
بدون تصویب مجلس پیشنهادی آقای فہیم  
الملک ۲۷ حوت ۱۳۰۰  
طرح قانونی راجع بمطابغ و تألیفات  
پیشنهادی آقای زنجانی ۲۷ حوت ۱۳۰۰  
طرح قانونی راجع بحقوق متوسلین بہ  
منابع خارجی از حقوق مدنی ۲۹ حمل  
۱۳۰۱  
طرح قانونی راجع بانتراع ابرقو  
از اصفهان و انضمام آن بہ یزد - در ۶  
نور ۱۳۰۱  
راجع بکمیسیون فوائد عامہ  
و پشت و تلگراف  
لایحه قرارداد پستی بین ایران و  
افغانستان - در ۲۱ حوت ۱۳۰۰  
لایحه قانونی در خصوص توقف رؤسای  
تلگرافخانه در ولایات - در ۲۸ حوت ۱۳۰۰  
بکمیسیون ارسال شده  
لایحه قانونی راجع بتجدید مدت توقف  
رؤسای پست در ولایات - در ۲۵ برج حمل ۱۳۰۱  
بکمیسیون ارسال شده  
لایحه قانونی راجع باعطای حق اولویت  
ساختمان دکاویل اطراف طهران و  
استفاده از آبشارهای پس قلعه وغیرہ - در ۲۲  
جوزا ۱۳۰۱ بکمیسیون ارسال شده  
راجع بکمیسیون خارجہ  
لایحه قانونی مبنی بر تقاضای تصویب  
کنترات دوازده نفر اتباع خارجہ برای کمراکات  
در ۱۵ حمل ۱۳۰۱ بہ کمیسیون ارسال  
شده  
لایحه قانونی مبنی بر تقاضای تصویب  
کنترات مسبوک و برای مدیریت ضراب -  
خانه - در ۱۵ حمل ۱۳۰۱ بکمیسیون  
ارسال شده  
راجع بکمیسیون داخلہ  
لایحه قانونی تشکیلات وزارت داخلہ

در ۸ حمل ۱۳۰۱ بہ کمیسیون ارسال  
شده  
( راجع بہ کمیسیون خاص  
منتخبین از شعب)  
طرح قانونی استخدام پیشنهادی آقای  
فہیم الملک - در ۱۲ دلو ۱۳۰۰  
رئیس التجار - قانون بلدی خوانده  
نشد آنہم لایحه اش آمده است  
رئیس - خبلی خوب آن راہم  
اضافہ فرمائید  
آقای معتمد السلطنہ  
( اجازہ )  
معتمد السلطنہ - راجع بلوایعی  
کدر کمیسیون قوانین مالیه معوق مانده  
است  
دیروز توضیحاتی بعرض آقای رئیس  
رساندم و امیدوارم انشاء اللہ باتوجهات آقای  
رئیس و اہتمامی کہ آقایان اعضاء کمیسیون  
دارند لوایح زودتر از مجلس بگذرد و علت  
تعمیق این لوایح ہم مشکلاتی بودہ کدر  
کمیسیون پیش آمده و اعضاء کمیسیون  
قصور نکرده اند ولی مشکلاتی در لوایح  
ہست کہ بدون رفع آن مشکلات تقدیم آن  
لوایح اشکال خواهد داشت و خواہش  
می کنم مقرر فرمائید دو نفر عضو کسری  
کمسیون ہم امروز انتخاب شود  
رئیس - آقای حاج میرزا علی  
محمد دولت آبادی  
( اجازہ )  
حاج میرزا علی محمد - بندہ  
قبل از آن کہ در کمیسیون عضویت پیدا  
کرده باشم اطلاعی ندارم ولی از وقتی کہ  
عضو کمیسیون قوانین مالیه شدہ ام نظر  
کمیسیون این بود کہ دو لایحہ عمدہ کدر  
کمیسیون مانده است آن ہا را زود تر  
بگذارند و آن ۲ لایحہ یکی مسئلہ ممیزی  
و یکی ہم قانون تشکیلات مالیه بود و در  
خصوص این کہ ہشتر عایدات باشد یا خیر  
خبلی دچہر مشکلات شدیم یعنی یک  
اطلاعاتی لازم بود تحصیل بشود و یک فقرہ  
کہ خبلی مشکل بود راجع باذربایجان  
بود کہ تلگرافانی شد و بعد از یکماہ دو  
روز قبل جواب تلگراف را کہ آقای  
مصدق السلطنہ مخابرہ نمودہ بودند بہ  
بکمیسیون رسید و در تمام این مدت آقایان  
اعضاء در کمیسیون حاضر می شدند غیر  
از یکی دو نفر کہ آن ہا ہم بر حسب اتفاق  
بالاجازہ غایب شدہ اند و عجلتاً ہم مسئلہ  
اجور پستی و ہم راجع بممیزی و تشکیلات  
مالیہ تحت شورا است و گمان می کنم تادہ  
پانزدہ روز دیگر بمجلس خواہد آمد مقصود  
این است قصوری از طرف کمیسیون نشدہ  
است یعنی از آن وقتی کہ بندہ در کمیسیون  
بودہ ام هیچ نمی بینم آقایان اعضاء کمیسیون  
قصور کردہ باشند  
رئیس - جمعی از آقایان اجازہ  
خواستہ اند ولی بندہ می دانم البتہ تاخیر

این مسئلہ بی علت بودہ است غرض این  
بود کہ خاطر آقایان مسبوق باشد کہ اگر  
محظوراتی ہست آن محظورات را بر طرف  
نمایند کہ زودتر راپورتہای این لوایح  
بمجلس بیاید و بیش از این ہم لازم نیست  
مذاکرہ شود  
قرار داد پستی مادرید مطرح است  
آقای شیخ الاسلام صفہائی  
( اجازہ )  
شیخ الاسلام - بندہ یک توضیحی  
از آقای مغیر می خواہم . اعطای مشروطیت  
ایران در چہاردہم جمادی الثانیہ ۱۳۲۴  
ہجری قمری بودہ است کہ مطابق می شود  
بانہم اوت ۱۹۰۶ میلادی و البتہ ہمان روز  
ساحت ملوکانہ از مسئولیت منزه و تمام اقتدارات  
و اختیارات بہ ملت تفویض شدہ است و در  
این راپورت کمیسیون فوائد عامہ نوشتہ  
شدہ است  
قرار داد پستی بین المللی رم در سنہ  
۱۹۰۶ میلادی بودہ است ولی معلوم نیست  
در چہ ماہی بودہ است می خواستم آقای  
مغیر توضیح بدہند کہ آیا تعقیب فرمودہ  
اند کہ قرارداد پستی رم در ماہ اول سنہ  
( ۱۹۰۶ ) بودہ است یا در ۶ ماہ دوم  
بودہ است مصادف با ایام مشروطیت بودہ  
است و لازم است قبل از آن قرار داد بمجلس  
شورای ملی بیاید و بعد از گذشتن آن  
این لایحہ کہ سمت فرہیت نسبت  
بہ آن قرار داد دارد بہ مجلس  
بیاید  
مغیر - تاریخ آن را ہمان طور  
کہ فرمودند بندہ رسیدگی می کنم ولی  
قرار دادی کہ در کنگرہ رم بستہ شدہ است  
در تسہیل روابط پستی و نقلیہ ایران یک  
کہ فوق العادہ کردہ است کہ اسباب  
امتنان تاریخی ما خواہد بود  
ہمچنین اصلاحاتی کہ در این خصوص  
بعمل آمدہ است و بعنوان قرار داد فرغیہ  
است و سہ فقرہ اصلاحات اصلیہ است کہ  
اگر آقایان امان نظر و دقت بفرمائید  
ملاحظہ خواہند فرمود کہ خبلی لازم و نافع  
بودہ است  
رئیس - آقای ارباب  
کیخسرو  
ارباب کیخسرو - موافقم  
رئیس - آقای آقامیرزا علی  
کازرانی  
آقامیرزا علی کازرانی - بندہ  
ہم موافقم  
رئیس - پس در کلیات مخالفی  
نیست  
( گفتند خیر )  
رئیس - رای می گیریم داخل  
در مواد بشویم آقایانی کہ تصویب می کنند  
داخل مواد شویم قیام فرمائید  
( اکثر قیام نمودند )  
رئیس - تصویب شد . در مادہ ۴

اعتراضی ہست ؟  
آقای آقامیرزا علی کازرانی  
( اجازہ )  
آقا میرزا علی کازرانی -  
بندہ گمان می کنم لازم نباشد در مجلس  
بتمام مواد مراجعہ کنیم بلکہ فقط باید  
در خصوص مادہ واحدہ کہ از طرف  
کمیسیون پیشنهاد شدہ است رای بگیریم  
یا مذاکرہ کنیم . بواسطہ اینکہ این  
قرار داد پستی با حضور نمایندہ ما در کنگرہ  
ما درید با مقتضیات امروزی منعقد شدہ  
و نمایندہ ما ہم آنرا پذیرفتہ است و  
قابل این کہ ما در آن تصرفاتی بکنیم  
نیست  
رئیس بموجب مادہ ( ۲۲ ) نظامنامہ  
داخلی حق دارید اعتراضاتی بکنید ولی  
بعنوان رجوع بکمیسیون ہمانطور کہ در  
سایر عہدنامہ ہا ملاحظہ فرمودید  
آقای آقا سید یعقوب  
( اجازہ )  
آقا سید یعقوب - بندہ عرض می  
کنم تعجب است از آقای کازرانی کہ  
می فرمایند نباید در مجلس مذاکرہ شود  
مطالبی کہ خبلی اہمیت دارد باید بمجلس  
بیاید و علت عمدہ اش این است کہ در تحت  
شور و مدافہ نمایندگان واقع شود کہ اگر  
یک چیزی بنظرشان می آید بفرمایند و  
آنوقت برگردد بکمیسیون و اگر نظرمان  
این باشد کہ مواد را بدون مذاکرہ چاپ  
بکنیم دیگر جلسہ علنی قرار دادن و بہ  
مجلس آوردن لازم نیست پس علت اینکہ  
لوایح را بمجلس می آورند این است کہ  
در آن شور و مذاقہ بشود تا بدانند  
کہ نمایندگان بطور شور این مطلب را می  
گذرانند  
رئیس - در مادہ چہار اعتراض  
ندارید ؟  
( گفتند خیر )  
رئیس در مادہ شش و ہفت ہم همین  
طور اعتراض نیست  
( گفتہ شد خیر )  
رئیس - در مادہ دوازدهم  
موافقت ؟  
( گفتند بلی )  
رئیس - در مادہ سیزدہ اصلاحی  
نیست ؟  
آقا میرزا علی کازرانی -  
خیر  
رئیس - در مادہ ہیجده ایرادی  
ندارید ؟  
آقامیرزا علی - خیر  
رئیس - در مادہ بیست و پنج  
چطور ؟  
آقا میرزا علی کازرانی -  
خیر  
رئیس - معلوم می شود جناب -